



سلاح‌های شیمیایی عراق و بازبینی هنجارهای حقوق بین‌الملل در پرتو حق بر سلامت

رقیه رنجی شاهگلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

r.ranji@stu.qom.ac.ir

احمد رضا توحیدی

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم

ar.tohidi@qom.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: پیامدهای بین‌المللی نقض «حق بر سلامتی»، ناشی از سلاح‌های شیمیایی عراق علیه ایران، با وجود پژوهش‌های متعدد، هنوز جای تأمل دارد. درک پایمال شدن این حق، به دلیل قساوت خارج از تصوّر انجام یافته، دشوار است. این عدم درک توسط برخی، با گمان تفسیر یک طرفه یا اغراق در منابع ایرانی توجیه می‌گردد.

روش تحقیق: در تمام پژوهش حاضر، تکیه بر منابع خارجی گردید. ابتدا ابعاد حملات شیمیایی توسط عراق واکاوی، سپس پیامدهای آن بر سلامت و محیط زیست با هدف «بررسی نحوه‌ی بازنگری هنجارهای کنترل صادرات در حقوق بین‌الملل» تبیین گردید. بنابراین، وجه تمایز این پژوهش، رویکرد بین‌المللی به پیامدهای حقوقی این پیشامد است.

یافته‌ها: رویکرد بین‌المللی، می‌تواند مردم کشورهای صادرکننده اسلحه را نیز کنش‌پذیر نماید. مثالی از کارزارهای موفق بین‌المللی ضد جنگ بیان گردیده که با الگوبرداری، می‌توان یک چالش دیگر در زمان جنگ‌ها که عدم آزادی عمل جنبش‌های ضدّ جنگ است را برطرف نمود. بر این اساس، با انجام این پژوهش، می‌توان پلی بین شکاف سیاستمداران و کنشگران صلح‌طلب زد. بنابراین، جهت‌گیری این پژوهش میان رشته‌ای، کاربردی و انتقادی است.

نتیجه: با واکاوی منابع، این حقیقت تلخ آشکار گردید که مواد شیمیایی و پیش‌سازهای مورد نیاز سلاح‌های شیمیایی، توسط شرکت‌ها با فرصت‌طلبی از انحصار کنترل صادرات ملّی، به عراق صادر گردیده است. پیرو آن، مشخص گردید که بازنگری در خط مشی‌های صادراتی دولت‌های غربی، نه به علّت جنایات ارتکاب یافته در جنگ هشت ساله‌ی عراق علیه ایران، بلکه پس از مواجهه‌ی سربازان کشورهای عضو اتحادیه اروپا با سلاح‌هایی با منشأ خودشان در جنگ اوّل خلیج فارس، برجسته گردیده است. در بخش نتایج، خط مشی‌های بعدی جمع‌آوری گردید. با تمرکز بر روی این خط مشی‌ها، پیشنهاد گردید تا جنبش‌های مردمی در سراسر دنیا، رویکردهای فراملّی در مواجهه با «کنترل ارسال سلاح»، «پیامدهای روانی طولانی مدّت جنگ» یا «تخریب محیط زیست در جنگ» در راستای ارتقای حق بر سلامت داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: سلاح شیمیایی، دفاع مقدّس، جنگ عراق، حق بر سلامت، صادرات تسلیحات



مقدمه

با وجود پژوهش‌های ارزشمند و متعدّد در مورد حملات شیمیایی عراق در جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران (۱۹۸۸-۱۹۸۰ میلادی)؛ هنوز پیامدهای بین‌المللی پایمال شدن «حق بر سلامت»^۱ جای تأمل دارد. این حق پایمال شده، برای برخی به دلیل قساوت خارج از تصوّر انجام یافته، می‌تواند غیر قابل درک باشد. بی‌گمان پژوهش‌های والایی در این زمینه با استفاده از منابع فارسی و شاهدان ایرانی انجام گرفته؛ با این وجود، آن عدم درک را برخی مخاطبان، با احتمال تفسیر یک طرفه یا اغراق در منابع ایرانی توجیه می‌نمایند. با واکاوی، خلأ استناد به پژوهش‌های خارجی بارز است. از عوامل دخیل در بروز این مسأله می‌توان به اعتماد بیشتر یا ارزش‌گذاری مفاهیم ملی و قدسی در منابع ایرانی و به طور عکس، اعتماد کمتر^۲ یا عدم توجّه به مفاهیم ارزشی مانند شهادت در منابع خارجی اشاره نمود. از این رو، در تمام پژوهش حاضر، تکیه بر منابع خارج از ایران و حتّی منابع عراقی می‌گردد. در این بین، ترجمه‌ی واژه‌ها یا عبارات ضد ارزشی، تا جایی که به متن و محور پژوهش حاضر که مربوط به سلاح‌های شیمیایی است، ضربه نزنند، در گروه آورده یا حذف می‌گردد تا امانت در ترجمه رعایت شده باشد.

ابتدا ابعاد بکارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق واکاوی می‌گردد. در ادامه‌ی بخش دوم، مسائل پشت پرده‌ی نظیر نحوه‌ی تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی که جزو سلاح‌های کشتار جمعی و ممنوعه‌ی حقوق بین‌الملل است، مطرح خواهد گردید. با هدف «بررسی نحوه‌ی بازنگری در هنجارهای کنترل صادرات در حقوق بین‌الملل در قبال تجهیز عراق به مواد شیمیایی و اقلام دو منظوره»، نیاز به بررسی و توضیح هنجارهای متعارف کنترل صادرات تسلیحات در زمان جنگ عراق علیه ایران مسجّل می‌گردد. در همین راستا، بخش سوم به معرفی هنجارهای منطقه‌ای آن زمان می‌پردازد. در بخش چهارم، پیامدهای حقوقی ضعف این هنجارهای کنترل، بحث و در ادامه، پاسخگویی آلمان به عنوان منشأ تولید اقلام مربوط به سلاح‌های شیمیایی با رویکرد دفاع از حق بر سلامت اشاره خواهد شد. بر این اساس، بر خلاف رویکردهای ملی پژوهش‌های مشابه، وجه تمایز این پژوهش، نگاه بین‌المللی به پیامدهای حقوقی استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق است. از این رو، مسائل ملی مانند نحوه‌ی پیگیری، پاسخگویی یا غرامت دولت عراق در قبال ایران در پژوهش حاضر مطرح نیست. در واقع با رویکرد این پژوهش، می‌توان از منفعل بودن مردم کشورهای صادر کننده اسلحه یا سایر کشورها نیز جلوگیری نمود. برای مثال، یک چالش بزرگ در زمان جنگ‌ها، عدم آزادی عمل کنشگران ضدّ جنگ در قالب جنبش‌های مردمی است؛ طوری که با تظاهرات و بیان مطالبات، همواره امکان اتهام به «همدستی با یک طرف مخاصمه»، «سازش با دشمن» یا «بازی در زمین دشمن» وجود دارد. با انجام این پژوهش، می‌توان شکاف بین این اتهامات و نیّت صلح‌طلبانه‌ی جنبش‌ها را نیز با تمرکز روی حق بر سلامت پر نمود. بنابراین جهت‌گیری این پژوهش کاربردی، انتقادی و میان رشته‌ای خواهد بود.

مرور منابع خارجی، منجر به آشکارسازی حقایق تلخی از نحوه‌ی اجرای خط مشی‌های کنترل صادراتی توسط دولت‌های عمدتاً اروپایی می‌گردد. فرصت‌طلبی شرکت‌ها از انحصار کنترل صادرات ملی، برای ارسال و انتقال مواد شیمیایی و پیش‌سازهای مورد نیاز سلاح‌های شیمیایی به عراق نیز در پس مذاکرات سیاسی با عراق نمایان می‌گردد. اذعان به مسئولیت و دخالت مستقیم دولت در صادرات این تجهیزات جداگانه بحث می‌شود. پیرو آن مشخص می‌گردد که بازنگری در خط مشی‌های صادراتی دولت‌های غربی، به علّت جنایات ارتکاب یافته در جنگ هشت ساله‌ی عراق علیه ایران، بوده یا پیشامدی دیگر. در بخش پایانی، نتایج این خط مشی‌ها جمع‌آوری می‌گردد تا با تمرکز بر روی این خط مشی‌ها، پیشنهادهایی ارائه گردد.

۱ در اسناد حقوق بشری عمدتاً تأکید بر حق دستیابی به بالاترین استاندارد سلامت فیزیکی و روانی گردیده و از دولت‌ها می‌خواهد تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت بالا بردن میزان بهره‌مندی از این حق افزایش دهند. به ویژه برای پژوهش حاضر، «حق بر سلامت» امکاناتی نظیر تمام خدمات پزشکی (دسترس به مراقبت‌های بهداشتی، ایجاد بیمارستان و تجهیزات پزشکی) و محیط زیست تمیز (شامل هوای پاک، خاک نیالوده، آب پاکیزه و برخورداری از آب آشامیدنی سالم) را در بر می‌گیرد.

۲ برای نمونه، با وجود متجاوز شناخته شدن صدام، برخی مانند ویلت، اینطور در کتابشان جمع‌بندی کرده‌اند که: «رهبر ایران خواهان جنگ مقدّس علیه همه‌ی ملت‌های مسلمانی شد که شریعت اسلام بر آنها حاکم نیست. صدام، این را یک تهدید تلقی و به ایران حمله کرد» (Willett, 2004).

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان‌شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۲۱۳۷۲۵۲۵۰۶ داخلی ۲۲۶ و ۲۲۳

۱- پیشینه پژوهش

کنوانسیون تسلیحات سمی ۱۹۷۲^۱ سم را تعریف نمی کند اما سموم را با «هر منشأ و روش تولید» پوشش می دهد.

جدول ۱، نمونه های استفاده از سم در جنگ بیولوژیکی و شیمیایی (خفگی، تاول، خون و عوامل عصبی) را در گذشته ارایه می دهد.

جدول ۱: نمونه هایی از استفاده ی سلاح های جنگی بیولوژیکی و شیمیایی در گذشته.

(Eitzen et al., 1997, p. 498; Frischknecht, 2003; Riedel, 2004, p. 401)

زمان (میلادی)	واقعه
۳۰۰۰	جنگ های هند باستان: پرده های دود، وسایل آتش زا و دودهای سمی که باعث خواب می شدند.
۱۴۰۰	هیتی ها ^۲ قوچ های آلوده به تولارمی ^۳ را برای دشمنان خود می فرستند.
۴۰۰/۶۰۰	سولون: ^۴ استفاده از گیاه تطهیر کننده هلهبور در محاصره کریسا / کمانداران سکایی ^۵ : فرو بردن تیرها در جسد در حال تجزیه.
۶۳۷	یونانیان بیزانس: ^۶ بکارگیری «آتش یونانی»؛ احتمالاً ترکیب نفتی، گوگرد، آهک یا مواد دیگر؛ بی فایده بودن آب برای خاموش کردن.
۱۱۵۵	امپراتور بارباروسا ^۷ چاه های آب را با بدن انسان در تور تونای ایتالیا ^۸ مسموم می کند.
۱۳۴۶	نیروهای تارتار اجساد قربانیان طاعون را بر فراز دیوارهای شهر محاصره شده ی کافا ^۹ منجنیق می کنند.
۱۴۲۲	ارتش لیتوانی کود تهیه شده از قربانیان آلوده را به شهر کارولشتاین (بوهمیا) ^{۱۰} پرتاب می کند.
۱۴۹۵	اسپانیایی ها شراب را با خون بیماران جذامی مخلوط می کنند تا به دشمنان فرانسوی خود در ناپل ایتالیا بفروشند.
۱۶۵۰	ارتش لهستان بزاق سگ های هار را به سمت دشمنانشان شلیک می کند.
۲۷ اوت ۱۶۷۵	نیروهای آلمان و فرانسه توافق کردند که از «گلوله های سمی» استفاده نکنند. (نخستین توافقنامه ی بین المللی در تاریخ مدرن).
۱۷۶۳ / ۱۷۱۰	روس ها: منجنیق کردن اجساد قربانیان طاعون به شهرهای سوئد. / بریتانیایی ها: توزیع پتوهای بیماران آبله بین بومیان آمریکا.
۱۸۶۵ / ۱۷۹۷	ناپلئون: سیل کردن دشت های اطراف مانتوا، ^{۱۱} برای شیوع بیشتر مالاریا/ ناپلئون سوم: استفاده نظامی از سیانید هیدروژن.
۱۸۶۳	جنگ داخلی ایالات متحده: پوسته کلر و فروش لباس هایی از بیماران تب زرد و آبله به سربازان اتحادیه توسط کنفدراسیون ها.
جنگ جهانی اول	افزون بر سلاح های شیمیایی، مأموران آلمانی و فرانسوی جنگ جهانی اول از مسموم کننده ^{۱۲} و سیاه زخم استفاده می کنند.
جنگ جهانی دوم	استفاده ژاپن از طاعون، سیاه زخم و سایر بیماری ها؛ آزمایش و توسعه ی سلاح های بیولوژیکی و شیمیایی توسط سایر کشورها.
۱۹۸۰-۱۹۸۸	عراق در جنگ علیه ایران و گروه های قومی داخل عراق از گاز خردل، سارین و تابون استفاده می کند.

¹ The 1972 Toxic Weapons Convention (TWC).

^۲ (The Hittites): ۱۷۸۰-۱۶۰۰ سال پیش از میلاد.

^۳ تولارمی (Tularemia) یا تب خرگوش (Rabbit fever)؛ عفونت باکتریایی عمدتاً در جوندگان؛ علائم: فارنژیت، تهوع، استفراغ، اسهال و درد شکم.

^۴ Solon.

^۵ (Hellebore): حاوی پروتئومونین و گلیکوزیدهای قلبی فعال؛ مسمومیت شدید می تواند منجر به مرگ در اثر ایست قلبی گردد.

^۶ Krissa.

^۷ Scythian.

^۸ The Byzantine Greeks.

^۹ Barbarossa.

^{۱۰} Tortona.

^{۱۱} (Caffa): شبه جزیره کریمه؛ اکنون فئودوسیا (Feodosia).

^{۱۲} Carolstein (Bohemia).

^{۱۳} Mantua.

^{۱۴} (Glanders): به کلمه ی «غدد» اشاره دارد. بیماری اسب و چهارپایان دیگر؛ مسری به انسان توسط باکتری؛ فرم پوستی: «سراج» (Farcy).

۱۹۹۵	شینریکیو ^۱ از گاز سارین در سیستم متروی توکیو استفاده می‌کند.
تابستان ۱۹۹۵	انواع سلاح شیمیایی در سربریتسای کشور بوسنی و هرزگوین. ^۲ ("Chemical Warfare in Bosnia?", 1998)
۴ مارس ۲۰۱۸	مسمومیت‌های سالزبری: ^۳ افسر سابق ارتش روسیه و مأمور سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا و دخترش در سالزبری مسموم می‌شوند.
اما جنگ شیمیایی مدرن از میدان‌های جنگ جهانی اول شروع گردید. استفاده از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی از جمله کلر^۴ و فسژن^۵ و خردل^۶ با حجم بالای ۱۹۰ هزار تن توسط آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده منجر به کشته شدن ۹۰۰۰۰ نفر (Walker, 2017) و تلفات بیش از یک میلیون نفر در طول جنگ گردید. مجروحان جنگ شیمیایی تا آخر عمر از این عوارض رنج بردند. بنابراین این وقایع، یک نسل را زخمی کرد (Ivanov et al., 2006). در جنگ عراق علیه ایران، در واقع عراق بارها از سلاح شیمیایی علیه ایران و مردم خود استفاده نمود (Eitzen et al., 1997). همچنین بین سال‌های ۱۹۸۵ و آوریل ۱۹۹۱، عراق، سیاه زخم،^۷ سم بوتولینوم^۸ و آفلاتوکسین^۹ را برای جنگ بیولوژیکی توسعه داد (Zilinskas, 1997). پیر رازوکس،^{۱۰} در کتاب «جنگ ایران و عراق»، (Razoux, 2015) تراژدی‌های این جنگ به عنوان طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم، را شامل استفاده از سلاح‌های شیمیایی شرح می‌دهد. رازوکس به تصویر بین‌المللی نیز نگاه می‌کند. از ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی گرفته تا اسرائیل، اروپا، چین و قدرت‌های عربی، بسیاری از کشورها در این درگیری دخالت کردند و از یک طرف یا طرف دیگر حمایت کردند و گاهی اوقات حمایت خود را تغییر دادند. پروفسور کارش^{۱۱} در کتاب «جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸»، (Karsh, 2002) درس‌های نظامی جنگ را در زمینه‌های کلیدی مانند استراتژی، تاکتیک و تشدید تنش و به‌ویژه استفاده از سلاح‌های غیر متعارف ارزیابی می‌کند، و در نهایت، کاربرد نیروی مسلح را به عنوان ابزار خط مشی خارجی بررسی می‌کند. نویسندگان کتابی با عنوان «جنگ ایران و عراق: تاریخ نظامی و استراتژیک» (Murray & Woods, 2014) مدعی هستند که جنگ ایران و عراق یکی از بزرگترین و در عین حال کم مستندترین درگیری‌ها در تاریخ خاورمیانه بوده و آنان با برگرفتن از یک منبع گسترده از سوابق به دست آمده‌ی دولت عراق، نخستین گزارش جامع نظامی و استراتژیک از جنگ از دریچه دید رژیم عراق و فرماندهان ارشد نظامی آن ارایه داده‌اند. این کتاب روند منطقی و تصمیم‌گیری را بررسی می‌نماید که عراقی‌ها را در مواجهه با چالش‌هایی که گاهی موجودیت آنها را تهدید می‌کرد، سوق داد. منظور نویسندگان، دیدگاه افسران عراقی در مصاحبه با تیمی از مورخان ارتش ایالات متحده است. مؤسسه تحلیل‌های دفاعی^{۱۲} یک تلاش تحقیقاتی تحت حمایت فرماندهی نیروهای مشترک ایالات متحده راه‌اندازی نمود. نتایج در کتاب «جنگ صدام: دیدگاه نظامی عراق از جنگ ایران و عراق»، (Woods et al., 2009) گردآوری شد. پروژه‌ی چشم‌اندازهای عراق یادآور تلاشی است که در سال ۱۹۴۶ آغاز شد، زمانی که تیمی از مورخان ارتش ایالات متحده و افسران اطلاعاتی با اعضای سابق ستاد کل آلمان رابطه برقرار کردند تا درک درستی از رویدادهای آشنا، از	

¹ Aum Shinrikyo.

² Srebrenica in Bosnia and Hercegovina.

³ Salisbury Poisonings: Sergei and Yulia Skripal.

⁴ Chlorine.

^۵ (Phosgene): گاز بی‌رنگ سمی از نوع عامل تنفسی به عنوان سلاح شیمیایی.

^۶ (Mustard): مایعی بی‌رنگ که به گاز تبدیل شده و ممکن است بی‌بو یا بوی تند خردل یا سیر استشمام شود؛ آسیب به پوست، ریه و چشم.

^۷ (Anthrax): مرگ‌بارترین آن، نوع تنفسی است که با علایم شبیه آنفلانزا شروع، اما در نهایت ریه‌ها را پر از مایع می‌کند و منجر به مرگ می‌شود.

^۸ (Botulinum toxin): سمی از باکتری کلاستریدیوم بوتولیندوم که کمی از آن، به ویژه به شکل تولیدی و استنشاق، موجب فلج و مرگ سریع می‌شود.

^۹ (Aflatoxin): نوعی سم تولید شده از قارچ Aspergillus flavus؛ در مقادیر بالا سبب درد شکم، تورم ریه‌ها و مغز، تشنج، کما و مرگ می‌شود.

¹⁰ Pierre Razoux is Research Director at IRSEM (Institute for Strategic Research) in Paris.

¹¹ Efraim Karsh.

¹² Institute for defense analyses (IDA).



دیدگاهی ناآشنا (طرف مقابل) ایجاد نمایند. این کتاب نشان‌دهنده‌ی بسط همان روش‌شناسی است، تا طیف وسیع‌تری از تاریخ نظامی خاورمیانه را از دیدگاه ژنرال رعد حمدانی، که در جریان عملیات آزادی عراق، فرماندهی جمهوری خواه دوم صدام حسین را برعهده داشت، در برگیرد. او طی چند روز با سرگروه پروژه «وودز»^۱ مصاحبه داشت.

در این کتاب آمده که جنگ عراق علیه ایران، مانند جنگ جهانی اول، پوشش فرسایشی به خود گرفت، زیرا نیروهای نظامی دو طرف که به الگوهای مختلف مجهز و آموزش دیده بودند، بدون اینکه بتوانند مزیت قاطعی کسب کنند، تلفات سنگینی به یکدیگر وارد نمودند (Woods et al., 2009, p. 11). با این حال، در سال ۱۹۸۴، عراقی‌ها شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کردند^۲ که با توجه به ناکامی ایرانی‌ها در آماده‌سازی برای چنین تهدیدی، مزیت مهمی برای عراقی‌ها به همراه داشت. استفاده از این سلاح‌ها تا پایان جنگ ادامه داشت. نویسنده، این واقعیت که جامعه‌ی بین‌المللی عملاً هیچ اعتراضی به استفاده‌ی عراقی‌ها از سلاح‌های شیمیایی نکرد را با ادعای واهی منفور بودن ایران تا اواسط دهه ۱۹۸۰ توجیه می‌نماید (Woods et al., 2009, p. 138).

ژنرال حمدانی، در مباحثه‌ی پنجم کتاب می‌گوید که: (Woods et al., 2009, p. 54) «ما برای مانور دادن به نیروهای گارد جمهوری‌مان [در این منطقه] مشکل داشتیم ... در این مدت از سلاح‌های شیمیایی به طور گسترده استفاده کردیم». از آنجایی که وی در کتاب خاطراتش بحث در مورد سلاح‌های شیمیایی و کارآمدی آنها را مطرح نکرده بود، در صفحه‌ی بعد، با این پرسش روبرو گردید که: (Woods et al., 2009, p. 55) «چرا سلاح‌های کشتار جمعی^۳ را کنار گذاشتید؟ آیا به خاطر جایی بود که در آن می‌نوشتید؟ فراتر از این، من همچنین می‌خواهم تصور شما را به عنوان یک افسر حرفه‌ای از پیامدهای استفاده از سلاح‌های شیمیایی در میدان نبرد دریافت کنم. بدیهی است که می‌تواند علیه شما مورد استفاده قرار گیرد و کنترل آن به وضوح خطرناک است. و به هر دو صورت کار می‌کند. باد ممکن است تغییر کند یا ممکن است مجبور شوید در یک میدان نبرد آلوده مانور دهید. آیا می‌توانید جنگ شیمیایی را برای ما توضیح دهید، به ویژه استفاده‌ی اولیه از آن در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴؟» پاسخ او جالب توجه است: «خوب، من از سلاح‌های شیمیایی به عنوان «سلاح‌های ویژه» نام بردم. در ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ یگان‌های توپخانه عراق بیش از ۱۰۰۰ شلیک (انواع آتش توپخانه) انجام دادند و در این بمباران به اعتقاد من از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد. این ترکیبی از توپخانه، تانک، موشک، و همه‌ی اینها، از جمله، به اعتقاد من، سلاح‌های شیمیایی بود (Iraqi Weapons of Mass Destruction Programs, 1998). حتی مقرّ گارد جمهوری نیز اندکی تحت تأثیر مواد شیمیایی عراق قرار گرفت...».

گزیده‌ای از پرسش و پاسخ وودز و حمدانی در ادامه به این شرح است:

وودز: «در مقطعی در سال ۱۹۸۳، شما فرمانده یک واحد زرهی شدید. آیا می‌توانید برای ما توضیح دهید که وقتی برای نخستین بار متوجه شدید که عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند، چه شرایطی داشتید؟ آیا هدف از سلاح‌های شیمیایی در ذهن شما اراییه‌ی راه حل تاکتیکی بود؟» (Woods et al., 2009, pp. 55-56)

^۱ Woods, Kevin M.

^۲ هیرو در کتاب «طولانی‌ترین جنگ» معتقد است که در پی موفقیت‌های ایران در اکتبر ۱۹۸۳ در کردستان عراق، مقامات بغداد شروع به صحبت از یک «سلاح جدید و مخفی» کردند (Hiro, 1991, p. 108).

^۳ Weapons of Mass Destruction (WMD).

^۴ در جولای ۱۹۸۳ سازمان اطلاعات مرکزی امریکا هشدار داده بود که «بغداد برای ماه‌ها به خود می‌بالید که سلاحی مخفی در اختیار دارد که می‌تواند تلفات زیادی وارد کند و پیروزی را تضمین کند. عراق در تلاش است تا توانایی جنگ شیمیایی را توسعه دهد، اما این برنامه هنوز در مرحله‌ی آزمایشی است. بنا بر گزارش‌ها، عراق دست کم ۱۰۰۰ گلوله توپ پر از عامل خردل دارد اما تاکنون از آنها در جنگ استفاده نکرده است. عراقی‌ها در جنگ از گاز اشک‌آور استفاده کرده‌اند، اما هیچ عامل مرگبار یا ناتوان‌کننده‌ای علیه ایرانی‌ها نداشته‌اند. در حالی که استفاده از خردل تلفات سنگینی به نیروهای عمدتاً پیاده نظام ایران وارد می‌کند، ایران را مجبور به پایان دادن به جنگ نمی‌کند» (CIA, 1983, p. 9).



حمدا/نی: «ما به خاطر باد از اثرات سلاح‌های شیمیایی بر خود می‌ترسیدیم. مشکلی که ما داشتیم این بود که وقتی سربازان ما ماسک‌های محافظ خود را می‌پوشیدند، کارایی رزمی آنها را نیز محدود می‌کرد و ماسک‌ها عموماً ناراحت کننده بودند. در صورت تغییر جهت باد، به ما برخورد می‌کرد و ما مجبور بودیم با پوشیدن ماسک‌های محافظ به مبارزه ادامه دهیم. ما امیدوار بودیم که حملات عمیق باشد، نه فقط در خط مقدم. ما می‌خواستیم از حملات شیمیایی به ذخایر ایران عمیقاً استفاده کنیم تا بتوانیم آزادانه‌تر بجنگیم. ما درخواست کردیم که ستاد فرماندهی از سلاح‌های شیمیایی در خطوط تدارکاتی داخل ایران استفاده کند.» در جنگ آخر، در سال ۲۰۰۳، از صدام حسین پرسیدم که آیا قصد استفاده از سلاح‌های شیمیایی را دارد یا نه، تا بدانم چگونه برنامه‌ریزی کنم.^۱ او پاسخ داد: نه، فایده‌ای ندارد. بنابراین من نیروهایم را با انعطاف بیشتری بدون نگرانی در مورد استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی مستقر کردم ... افزون بر این، از دیدگاه من، تأثیر استفاده از مواد شیمیایی بیشتر روانی است تا مادی.

نمونه‌ی دیگر در نبرد حلبچه بود که در سال ۱۳۶۶ لشکر ۸۴ پیاده ایران و تیپ ۵۵ چتر نجات ایران هر دو حضور داشتند. هدف در حلبچه، کردها نبودند، بلکه این دو واحد بودند.^۲

دیکتاتور عراق در خلوت، آشکارا استفاده از سلاح‌های شیمیایی برای مهار پیشروی‌های نیروهای ایرانی را مورد بررسی قرار داد و از ژنرال‌های خود خواست که ساخت این «مهمات ویژه» را تسریع بخشند. نوارهای صوتی ضبط شده در سال ۲۰۰۳ گواه مقاصد صدام است (Razoux, 2015, p. 189).

وودز: «آیا می‌توانید فرآیند تصمیم‌گیری [نظامی] را در زمان استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ، توضیح دهید؟»
حمدا/نی: «یک ستاد عالی ویژه برای استفاده از چنین سلاح‌هایی نه تنها در سطح میدانی بلکه در سطوح استراتژیک و عملیاتی برای برنامه‌ریزی برای حملات شیمیایی ایجاد شد. فرمانده توپخانه ارتش عراق در سطح ارشد در این ستاد حضور داشت و فرماندهی شیمیایی نیز همیشه در این ستاد حضور داشت. افسر مسئول، مدیر عملیات ارتش عراق خواهد بود.»
موری^۳ (مصاحبه‌گر دوم): «آیا تصمیم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی نوعی استیصال بود یا تلاشی برای تشدید جنگ به عنوان وسیله‌ای برای متقاعد کردن ایرانی‌ها برای توقف جنگ؟» (Woods et al., 2009, p. 56)

حمدا/نی: «هر دو. این یک «و» بود، نه «یا». برای جبران نیروهایی که کمبود داشتیم، به توانایی توپخانه بیشتری نیاز داشتیم. به عنوان مثال، ما از سلاح‌های شیمیایی در منطقه پایین فاو استفاده کردیم،^۴ زیرا زمین شامل خاک نرم و باتلاق است، که توپخانه و سلاح‌های هوایی ما را بی‌فایده کرد و مانع استفاده‌ی مؤثر زره شد. به همین دلایل، ایرانی‌ها این مناطق را اشغال کردند و از آنها دفاع کردند، جایی که حملات هوایی یا پشتیبانی زرهی تأثیر چندانی نداشت. بنابراین چاره‌ای جز استفاده از سلاح‌های

^۱ احمدانی در سال ۲۰۰۳ فرماندهی سپاه دوم گارد جمهوری را برعهده داشت. هم از نظر شهرت و هم از نظر موقعیت، یکی از فرماندهان مهم عراق در آن زمان بود، با این حال او فکر می‌کرد که ممکن است عراق در این عملیات نیز از سلاح‌های شیمیایی استفاده کند.

^۲ در ۱۶ مارس، نیروی هوایی عراق با بمب‌های سیانور یا گاز اعصاب به حلبچه حمله کرد و حداقل ۴۰۰۰ نفر را که عمدتاً غیرنظامی بودند، کشت ... در سطح سیاست‌گذاری، اقدام عراق، تهران را به طرز نگران‌کننده‌ای آگاه کرد که اگر بغداد در مواجهه با حمله‌ی زمینی بزرگ ایران در وضعیت شکننده قرار گیرد، موشک‌های دوربرد خود را با کلاهک‌های شیمیایی پر کرده و به سمت مراکز شهری ایران شلیک خواهد کرد (Hiro, 1991, p. 201).

^۳ Murray, Williamson.

^۴ برای مثال؛ در شب ۱۶ آوریل، مهمات معمولی خود را با گلوله‌های حاوی گاز سیانید یا مواد اعصاب مخلوط کردند (Hiro, 1991, p. 203).



شیمیایی نداشتیم.^۱ از مواد شیمیایی در منطقه الحویزه، در مجنون^۲ و در شلمچه^۳ منطقه باغ استفاده کردیم. در ۲۱ فوریه، باران و شرایط مرطوب، اثر گازهای سمی را در این منطقه کمزنگ کرد (Hiro, 1991, p. 168).

وودز: «آیا این یکی از مواردی است که از سلاح شیمیایی در نزدیکی جبهه استفاده کردید یا سعی کردید از آن در عمق - در مناطق لجستیکی و عبوری استفاده کنید؟» (Woods et al., 2009, p. 57)

حمدا/ی: «نه، اینجا جایی بود که ما ساکن شدیم و ایرانی‌ها را به این مکان دیگر، آن سوی یک کانال هل دادیم. ایرانیان در این مکان به شدت مبارزه کردند و مقاومت بسیار زیادی از خود نشان دادند. سپس از توپخانه خود پشتیبانی دریافت کردند و پس از ۲ ماه درگیری نیروهای ما را در این نقطه از کانال متوقف کردند. این زمانی بود که حمله با مواد شیمیایی صورت گرفت. عملیات در سال ۱۳۶۵ انجام شد و ما نیز در سال ۱۳۶۷، سال آزادسازی، حمله‌ی شیمیایی کردیم که در نهایت آنها را از این منطقه بیرون راندیم ... تعداد سربازانی که از سال ۸۸-۱۹۸۶ از دست دادیم ۵۳۰۰۰ نفر بود و ۲۲۰۰۰۰ مجروح داشتیم. به همین دلیل وقتی چنین نبردهایی اتفاق می‌افتد، از مواد شیمیایی استفاده می‌کردیم، زیرا تلفات غیرقابل تحمل بود. در حلبچه، در سال ۱۹۸۷، ایرانی‌ها دو لشکر داشتند، لشکر ۸۴ ایرانی و لشکر ۵۵ چتر نجات (هوابرد). ایرانیان در نزدیکی منطقه دریاچه دربندیخان و سدی که ارتفاع بالایی دارد وارد حلبچه شدند. آنها این منطقه را اشغال کردند و به سمت کوه شادیران حرکت کردند و پس از آن زمین تا سلیمانیه صاف می‌شود.^۴ بنابراین اگر آنها موفق به عبور از کوه شادیران می‌شدند، می‌توانستند خیلی بیشتر نفوذ کنند و به سلیمانیه برسند. خط دفاعی ما در اینجا درمانده بود و به نیروهای ویژه‌ی ما دلگرم بود. کردهای حلبچه تخلیه شده بودند. آنها آنجا را ترک کردند زیرا جنگ بیش از یک ماه قبل از استفاده از مواد شیمیایی ادامه داشت. جلال طالبانی بخش شرقی را تحت کنترل داشت و دولت عراق با او تماس گرفت، زیرا این بخش به یک منطقه‌ی عملیاتی تبدیل شده بود، از ترس امنیت ساکنان کرد او به آنها هشدار داد که در منطقه نمانند. طالبانی به فرماندهی [عراق] اطلاع داد که کردها منطقه را تخلیه کرده‌اند. تا آنجا که من می‌دانم، او سندی را امضا کرد که تخلیه از روستا را تأیید می‌کرد. سپس از توپخانه برای پرتاب مواد شیمیایی به این بخش استفاده کردیم. این حمله تقریباً به طور کامل لشکر ایرانی را نابود کرد. این نخستین استفاده‌ی انبوه واقعی از مواد شیمیایی بود که در آن نیروی هوایی به طور کامل لشکر ۸۴ را نابود کرد. محدود به دره‌ی حلبچه بود. این تأثیر روانی فوق‌العاده‌ای بر بقیه‌ی سربازان ایرانی داشت. این به معنای دفاع از آنچه ما انجام دادیم نیست، اما برای اهداف صداقت تاریخی، کردها هدف این حمله نبودند. ما آن را روی نیروهای ایرانی حاضر در آن منطقه متمرکز کرده بودیم. کردهایی که در جریان آن حمله کشته شدند افرادی بودند که از اطاعت از دستور تخلیه شهر خودداری کردند و تعداد آنها از ۷۵ تا ۱۵۰ کشته

^۱ عدم بازپسگیری فاو با وجود توسل به سلاح‌های شیمیایی و کشته شدن حدود ۱۰ و ۳۰ هزار عراقی و ایرانی در دو هفته، (Karsh, 2002, p. 48).

^۲ قبل از حمله‌ی عراق به در سحرگاه ۲۵ ژوئن به جزایر مجنون، آنها در ۱۹ ژوئن با شلیک گلوله‌های توپخانه‌ای از گاز سیانور و گازهای عصبی به خطوط مقدم ایران و پرتاب بمب‌های گاز خردل در عقب در منطقه‌ی مهران استفاده کردند (Hiro, 1991, p. 209).

^۳ در ۲۵ مه، عراقی‌ها با رگبار وحشیانه‌ی توپخانه و راکت بر ایرانی‌ها غلبه کردند و گلوله‌های معمولی را با گلوله‌های پر از گاز سیانید یا گازهای عصبی مرگبار مخلوط کردند و آنها را از سر پل شلمچه بیرون کردند (Hiro, 1991, p. 206).

^۴ هیرو معتقد است که در عملیات کربلای ۹، ایرانیان به همراه ائتلاف بزرگی از شورشیان کرد، ارتفاعات استراتژیک نزدیک سلیمانیه را تصرف کردند و دو روز بعد، دولت بغداد از سلاح‌های شیمیایی علیه ۲۰ روستای کرد استفاده نمود (Hiro, 1991, p. 185).



تجاوز نکرد.^۱ حمدانی در پاسخ به پرسشی که چرا ایرانی‌ها تا پایان جنگ از سلاح شیمیایی استفاده نکردند؟ گفت که به دلیل عدم توانایی آنها و تولید محدود^۲ آنها بوده است (Woods et al., 2009, p. 58).

وودز: «فکر می‌کنید ایرانی‌ها ... در مورد سلاح‌های شیمیایی چه آموختند؟ ایران از آن تجربه چه برداشتی کرد؟» حمدانی: «خوب، آنها قطعاً اقدامات متقابلی داشتند. به عنوان مثال، آنها نوعی گاز مقطر را تولید کردند که شبیه دود سفید بود تا اثرات حمله‌ی شیمیایی را به حداقل برسانند. اسرا در مورد این ابزارها به ما گفتند، اما ما هرگز نتوانستیم بفهمیم آنها از چه چیزی استفاده می‌کنند و متخصصان ما نتوانستند در مورد ماده‌ای که ایرانی‌ها استفاده می‌کنند به نتیجه‌ای برسند.» وودز: «... آیا انتظار داشتید ایران از مواد شیمیایی استفاده کند؟ ظاهراً عراق در اواخر دهه ۱۹۹۰ مواد شیمیایی نداشت...» حمدانی: «در دهه‌ی ۱۹۹۰، در اکثر موارد، تجهیزات حفاظتی بسیار خوبی داشتیم، بیش از آنچه ارتش عراق نیاز داشت، و بنابراین ارتش ما آموزش دید و به هر سرباز دو ماسک حفاظتی [شیمیایی] متناسب با اندازه خود ارایه شد ... همیشه این فرض وجود داشت که اگر ما بعد از سال ۱۹۹۱ وارد جنگ شده بودیم، ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کرد.»

حمدانی در مباحثه‌ی ششم، در پاسخ به گزارش‌های مطبوعات غربی مبنی بر نخستین استفاده‌ی عمده از مواد شیمیایی توسط عراق در نبرد بخش حاج عمران در ژوئیه تا اوت ۱۹۸۳ که ناشی از کمبود نیروهای کافی بوده است، گفت: «خب، فکر نمی‌کنم نخستین بار این مورد باشد. در سال ۱۹۸۳ هیچ سلاح شیمیایی استفاده نشد. نخستین باری که ما از آنها استفاده کردیم، بعداً اتفاق افتاد، شاید در سال ۱۹۸۶ و بعد از آن، اما در این دوره‌ی قبلی هیچ اتفاقی نیفتاد.» (Woods et al., 2009, p. 62)

در فصل هفدهم کتاب «جنگ ایران و عراق» (Razoux, 2015, Chapter 17) آمده که در نهم بهمن ۱۳۶۳، ایران در تلاش برای حفظ مواضع تصرف شده، تمام ذخایر خود را به نبرد اختصاص داد (Razoux, 2015, pp. 267-269). آخرین سه لشکر پیاده که برای عملیات خیر بسیج شدند برای تأمین نیروی کمکی در جبهه‌ی مردابی به عرض حدود پنجاه کیلومتر وارد شدند. عراقی‌ها که غافلگیر شده بودند، پیش از اینکه اوضاع را کنترل کنند، مقداری از موقعیت خود را از دست دادند. ژنرال عدنان خیرالله دستور داد برای عقب راندن دشمن از سلاح‌های شیمیایی استفاده شود و خط پرتنش دنباله‌دار دجله به داخل مرداب‌ها زده شود تا رزمندگان ایرانی که راه خود را از میان باتلاق در عمق آب می‌جنگند را برق بزند. از اواخر بعد از ظهر همان روز، هواپیماهای PC-7 Turbo Trainer که اخیراً توسط سوئیس تحویل داده شده بودند، شروع به پرواز بر فراز میدان جنگ در ارتفاعات پایین کردند. آنها شبیه هواپیماهای شخصی معمولی بودند، اما گاز اعصاب تابون را بر روی مواضع ایران پاشیدند.^۴ توپخانه عراق نیز باتلاق‌ها را با سلاح‌های شیمیایی ناشی از گاز بدنام خردل که در طول جنگ جهانی اول استفاده می‌شد، بمباران کرد. همزمان عراقی‌ها تخلیه‌ی الکتریکی ۲۰۰ هزار ولتی را در مرداب نزدیک سر پل ایران رها کردند. اثر ترکیبی این حملات باعث ایجاد وحشت در صفوف ایرانیان شد. طی چند ساعت هزاران رزمنده دچار برق گرفتگی یا خفگی شدند و در مرداب‌ها غرق شدند. تانک‌های عراقی همه‌ی کسانی را که قصد فرار از منطقه داشتند به عقب راندند. یکی از قربانیان [شهیدان] سردار محمد ابراهیم

^۱ نخستین اقدام صدام پس از آتش بس، مجازات کردهای شورشی شمال به دلیل [ترک خدمت ۴۸۰۰۰ نفر تا سال ۱۹۸۳ (Hiro, 1991, p. 102) و] همکاری فعالانه با ایران در طول جنگ بود. او به طور گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه اتباع خود استفاده کرد (Hiro, 1991, p. 5).

^۲ نماینده دایم عراق در سازمان ملل در دهه‌ی ۱۹۸۰ بارها ایران را به استفاده از سلاح‌های شیمیایی متهم کرد (Tarock, 1998, p. 158). در حالی که از نزدیک به پنج میلیون صفحه اسناد به دست آمده از پلیس مخفی و اطلاعاتی عراق، عراقی‌ها حتی یک اشاره هم به هیچ حمله‌ی شیمیایی فرضی ایران در هیچ مقطعی از جنگ نمی‌کنند (Tarock, 1998, p. 176).

^۳ هیرو می‌نویسد در دسامبر ۱۹۸۶، نخست وزیر ایران، موسوی، اظهار داشت که ایران فنآوری جنگ شیمیایی خود را توسعه داده، یک سال بعد به مجلس تولید «سلاح‌های شیمیایی تهاجمی پیشرفته» را اطلاع داده اما افزوده که «ایران تا زمانی که مجبور نباشد، از سلاح شیمیایی استفاده نخواهد کرد و به کنوانسیون‌های بین‌المللی احترام می‌گذارد.» او به یک آزمایش کلاهک شیمیایی در نزدیک سمنان استناد می‌کند (Hiro, 1991, p. 201).

^۴ این هواپیماها در اسکادران ۱۰۷ گروه‌بندی می‌شوند؛ مخازن سوخت خارجی، با کاربرد هوایی مشابه استفاده در کشاورزی داشتند.



همّت بود. دو روز بعد، هنگامی که عراقی‌ها معتقد بودند که سلاح‌های شیمیایی متلاشی شده، با پوشاندن ماسک‌های بهداشتی استاندارد روی دهان خود در جهت مرز، حمله‌ی متقابل کردند.

ژنرال ماهر عبدالرشید^۱ نیز در جنوب از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.^۲ وزش باد مخالف اثر شیمیایی را کم کرد، پیاده نظام ایرانی هنوز تجهیزات حفاظتی مناسبی نداشتند و به محض مشاهده‌ی ابرهای گازی، دوییدند. عراقی‌ها در مدت ده روز به‌طور روشمند اکثر مناطقی را که در ابتدا از دست داده بودند، با پشتیبانی توپخانه‌ی گلوله‌های فسفر که به طرز وحشتناکی دشمن را سوزاند، پس گرفتند. تنها جزایر مجنون در دست ایرانیان باقی مانده بود، زیرا سپاهیان عمیقاً در آنجا مستقر بودند.^۳ هر شب هلیکوپترهای شینوک لی، نیروهای کمکی پاسداران را به جزایر می‌برد و مجروحان آن روز را تخلیه می‌کرد. عراقی‌ها نه قایق داشتند و نه ابزار آبی خاکی برای بازپس‌گیری جزایر. آنها اقدام به حمله‌ی هلیکوپتری کردند که با سرنگونی هشت فروند Mi-8 توسط پدافند ضد هوایی ایران که در لنج‌های مستقر در اطراف جزایر مستقر بودند، به یک فاجعه تبدیل شد.

۲- صادرات سلاح و اقلام دو منظوره به عراق

از آغاز جنگ علیه ایران، رژیم عراق برنامه‌ای را برای «سلاح‌های ویژه» [کشتار جمعی] آغاز نموده بود. انگیزه سودآوری، شرکت‌های خاصی را تشویق کرد تا به عراق در دستیابی به مقادیر زیادی سلاح شیمیایی کمک (Razoux, 2015, p. 298) کنند. اما بررسی دیدگاه‌های نظری که کنترل‌های چندجانبه‌ی صادرات را شکل می‌دهند، منجر به این نتیجه می‌گردد که ترکیبی از نیروهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فناوری در سطوح بین‌المللی و داخلی و محیط نهادی در تعامل با یکدیگر جهت صادرات تسلیحات دخیل هستند (Bertsch et al., 1994, pp. 11–12 note 5). از این رو، جنبه‌های مختلفی از صادرات کشورها به عراق در طول جنگ علیه ایران قابل بررسی است. این صادرات با نبود داده‌های قابل اعتماد در مورد صادرات مواد شیمیایی یا اقلام با کاربرد دوگانه در آمار تجارت خارجی ملی، ناگزیر به مشکلات اندازه‌گیری می‌گردد.^۴ طرز عمل انتقال‌هایی که شامل فناوری استفاده دوگانه یا تولید مشترک است می‌تواند مشکلات ثبات در داده‌ها را تشدید کند. آیا به عنوان مثال، قطعات الکترونیکی هواپیما به عنوان انتقال کالاهای غیرنظامی، «نظامی یا دو منظوره» تلقی می‌شوند؟

مشکلات مربوط به کیفیت داده‌ها در مورد کمیت و نوع سلاح‌ها و کالاهای دفاعی به دلیل پیچیدگی، در تعیین قیمت معاملات که به ندرت منتشر می‌شود، تشدید می‌گردد. از این رو، تجزیه و تحلیل ارقام صادرات تسلیحات ملی بسیار دشوار است، (Wakeman-Linn & Happe, 1994, p. 18 note 41) و مقایسه بین منابع نیز به دلیل وسعت تفاوت در منابع دشوار است.

شواهد زیادی مبنی بر اینکه ناهمواری تجارت تسلیحات، رقابت‌های تسلیحاتی را تشویق می‌کند، وجود دارد و درگیری‌های سیاسی را به جنگ تبدیل می‌کند؛ چه از طریق تشویق جاه طلبی‌های کشورهای متجاوز و چه از طریق افزایش نگرانی در میان کشورهای ناامن.^۵ به این معنا، بسیاری از جنگ‌هایی که از سال ۱۹۴۵ رخ داده‌اند، در نتیجه انتقال تسلیحات آغاز، تشدید یا طولانی‌تر شده‌اند (Brzoska, 1994; Sample, 1998, pp. 156–175).

^۱ وی همچنین پدر همسر قصی، پسر کوچک‌تر صدام بود.

^۲ او در اواسط مارس ۱۹۸۴ با گستاخی می‌گوید: «اگر به من آفت‌کشی می‌دادید که روی این دسته از حشرات پرتاب کنم ... پس از آن استفاده خواهم کرد» (Hiro, 1991, p. 109; Karsh, 2002, p. 53).

^۳ زیر حملات وحشیانه‌ی سلاح‌های شیمیایی عراق (گاز خردل و گاز اعصاب سارین) (Karsh, 2002, p. 42).

^۴ هاپ و ویکمن لین نتیجه می‌گیرند که «برای اکثر کشورها، داده‌های گمرکی به شکل فعلی نمی‌تواند به عنوان منبعی برای اطلاعات در مورد تجارت نظامی استفاده شود» (Wakeman-Linn & Happe, 1994, p. 7).

^۵ به عنوان مثال، جنگ هند و پاکستان بر سر کشمیر در سال ۱۹۶۵ توسط مقادیر زیادی تسلیحات مدرن در دسترس هر دو طرف تحریک شد. قبل از شروع جنگ، بریتانیا تأمین‌کننده‌ی اصلی هر دو طرف بود: هند ۲۲۰ جنگنده‌ی جت و ۶۸ بمبافکن (۷۱ درصد نیروی حمله هوایی خود)، در حالی که پاکستان ۶۰ بمبافکن (۲۵ درصد نیروی هوایی خود) را دریافت کرد. افزون بر این، هر دو نیروی دریایی آنها تقریباً به طور کامل توسط شرکت‌های



آلمان پیش از اجرایی شدن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۱ در سال ۱۹۹۷ (Chemical Weapons Convention, 1997)، مواد شیمیایی^۲ صادر می‌کرد که می‌توانست در تولید سلاح‌های شیمیایی^۳ استفاده شود. البته، در طول جنگ جهانی اول (Schmaltz et al., 2017)، آلمان یکی از تولید کنندگان و استفاده کنندگان عمده سلاح‌های شیمیایی بود. پس از جنگ جهانی اول، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو (Geneva Protocol on Asphyxiating or Poisonous Gases, and of Bacteriological Methods, 1925) توسط ایران و عراق امضاء و توسط آلمان حتی «تصویب» شد که استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی را ممنوع، اما تولید و ذخیره را ممنوع نکرد. در جنگ جهانی دوم، آلمان سلاح‌های شیمیایی مانند عوامل اعصاب تابون،^۴ سارین^۵ و سومان^۶ را آزمایش و توسعه داد. پس از جنگ، بر اساس قوانین شورای کنترل متفقین (Allied Control Authority Germany, 1945)، آلمان از تولید یا ذخیره سلاح‌های شیمیایی منع گردید. در فصل پنجم کتاب «جنگ ایران و عراق» با سرفصل «فرانسه در کنار عراق است» آمده که: (Razoux, 2015, p. 97) هلموت اشمیت،^۷ صدراعظم آلمان با اشاره به قانون اساسی آلمان که او را از دخالت کشورش در درگیری‌های مسلحانه منع می‌کرد، موضع بی‌طرفی شدیدی اتخاذ کرد. طی سال‌ها، ایران به شریک تجاری اصلی آلمان در خاورمیانه تبدیل شده بود و دو کشور به قراردادهای بزرگی که از انقلاب اسلامی جان سالم به در برده بودند، متعهد شدند. انبوه وسایل نقلیه‌ی ساخت آلمان همچنان در شهرهای ایران به حرکت در می‌آمدند. کارخانه‌ها اغلب با ماشین‌آلات وارداتی از آلمان اداره می‌شدند. شواهد بارز این منافع مشترک، سهم ۲۵ درصدی ایران در سرمایه شرکت معروف صنعتی کروپ^۸ بود. صدراعظم اشمیت مصمم بود برای جلوگیری از قربانی شدن این رابطه‌ی ممتاز، دست به هر کاری بزند، از جمله تأمین محتاطانه‌ی تجهیزات نظامی مانند کامیون‌های مرسدس بنز، تریلرهای حمل تانک، یا مهمات اسلحه‌های کوچک ساخت شرکت ورنر^۹. برای کاهش نگرانی طبقه سیاسی آلمان، این تجهیزات به طور متوسط به عنوان «غیر تهاجمی» شناخته شد. دولت آلمان برای توجیه مذاکرات فروش زیردریایی‌های فوق مدرن نوع ۲۰۹ مشکل بیشتری داشت. واشنگتن، پاریس و ریاض آنقدر فشار آوردند که مذاکرات به نتیجه نرسید. مقامات آلمانی با تسلط و شیرین زبانی شرط‌های خود را مهار کردند و توانستند روابط صمیمانه‌ای با بغداد حفظ کنند. با توجه به خصومتی که رژیم بعث نسبت به کسانی که از دشمنانش حمایت می‌کردند، این یک سوء استفاده بود. در حالی که عراقی‌ها به سختی فریب سخنان محبت‌آمیز سفیر آلمان در بغداد را خوردند، آنها هر چیزی را که دولت او آماده بود به آنها بفروشد، برداشتند: مرسدس بنز برای نخبگان رژیم، ماشین‌آلات و قطعات شیمیایی برای مهندسان مسئول توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، بازیابی تانک، وسایل نقلیه و کامیون‌های تناژ سنگین برای ارتش. بُن برای آسودگی وجدان خود، پزشکان نظامی عراقی را آموزش داد و چندین بیمارستان ارتش را به بغداد تحویل داد. صنعتگران آلمانی همچنین حدود شصت هلیکوپتر تهاجمی BO-105 مجهز به موشک‌های ضدتانک HOT ویرانگر را به بغداد فروختند. این هلیکوپترها بی‌سر و صدا از طریق اسپانیا

انگلیسی تجهیز شده بودند (Thayer, 1969, p. 274). دیگر درگیری‌های منطقه‌ای که به نظر می‌رسد تحت سلطه «معضل امنیتی» قرار گرفته‌اند عبارتند از: درگیری اعراب و اسرائیل، جنگ عراق علیه ایران در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ و چندین درگیری کوچکتر در آفریقا و آسیا.

¹ Chemical Weapons Convention (CWC).

² Chemical materials.

³ Chemical weapons.

^۴ (Tabun): مایع بی‌رنگ، بی‌بو؛ راه نفوذ از چشم و مجاری تنفسی؛ ناپایداری آنی؛ عوامل عصبی سری جی.

^۵ (Sarin): یک ترکیب شیمیایی فسفری مخرب سیستم اعصاب سری جی و ماده‌ای بسیار سمی و مرگبار؛ مایع بی‌رنگ شفاف و در شکل خالص بی‌بو.

^۶ (Soman): ماده‌ای بسیار سمی که در طبقه‌بندی سلاح‌های شیمیایی جزو عوامل عصبی سری جی.

^۷ Helmut Heinrich Waldemar Schmidt (1918-2015): پنجمین صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان (۱۹۸۲-۱۹۷۴)؛ حزب SPD.

^۸ Krupp industrial.

^۹ Werner Company.



به عراق تحویل داده شد، که بخشی از هلیکوپترها را مونتاژ کرد تا به آلمان اجازه دهد تا بی طرفی خود را در برابر این دو متخاصم نشان دهد.

برنامه‌ی تسلیحات شیمیایی عراق در تابستان ۱۹۸۲ با ورود نیروهای ایرانی به عراق سرعت گرفت (Razoux, 2015, pp. 298-301). در آن زمان، اتحاد جماهیر شوروی ذخایر یک ماده سمی را به بغداد ارسال کرد که صرفاً یک نسخه‌ی بهبود یافته از گاز بدنام خردل جنگ جهانی اول بود (Wood, 1984). اسپانیا کانتینرهای رژیم عراق را که برای پخش محصولات شیمیایی مناسب بود فروخت و مصر^۱ مقادیر زیادی پوسته‌ی خالی به عراق فروخت.^۲ بر اساس گزارش ژنرال‌های سابق عراقی، شرکت‌های آلمانی، بلژیکی، دانمارکی، هلندی و حتی لبنانی، مواد شیمیایی ضروری برای تحقق این برنامه‌ی مخفیانه، به ویژه برای توسعه‌ی عوامل نوروکسیک، تهیه کردند. این مواد به طور ویژه کشنده بودند زیرا تشخیص آنها سخت و محافظت در برابر آنها دشوار بود. تا پاییز سال ۱۹۸۳، ارتش عراق دارای ذخایر زیادی از گاز تاول و یک دسته‌ی اولیه از عوامل عصبی بود. یک یادداشت فرماندهی نظامی که توسط صدّام تصویب شد، توسّل به سلاح‌های شیمیایی را مجاز دانست و شرایط استفاده از آنها را تعیین کرد. حتی برای آزمایش اثربخشی تابون، آزمایشی در «اندازه‌ی واقعی» دستور داده شد که یک گردان عراقی، قربانی این آزمایش گردید.^۳ وزیر دفاع همزمان برنامه‌ای را برای دستیابی به تجهیزات حفاظت شیمیایی آغاز نمود.

از آنجایی که ایران نتوانست خود را در میدان جنگ تحمیل کند، تلاش کرد با اتهام نقض آشکار پروتکل ژنو ۱۹۲۵، رژیم عراق را منزوی نماید.^۴ هیچ کشور دیگری از زمان جنگ جهانی اول از گاز سمی در یک درگیری بزرگ استفاده نکرده بود. ایران پافشاری کرد و این پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد و از آن خواست که تحریم‌هایی را علیه عراق که با سلاح‌های ممنوعه بیش از ۱۰۰۰ سرباز این کشور را کشته بود، اعمال کند. تهران برای حمایت از درخواست خود، ده‌ها قربانی گاز خردل و تابون را به بیمارستان‌های اروپایی فرستاد. پزشکان در یافته‌های خود قاطع بودند: ایرانی‌ها در معرض سلاح‌های شیمیایی قرار گرفته بودند. هیئتی از کارشناسان به دستور سازمان ملل فوراً به جبهه‌ی ایران و عراق رفتند و از بیمارستان‌های صحرایی بازدید کردند.^۵ مقامات عراقی به شدت این اتهامات را رد کردند و سپس در برابر شواهد فزاینده، سکوت محتاطانه‌ای اتخاذ نمودند. ژنرال خیرالله، وزیر دفاع، در نهایت به طور ضمنی به واقعیت‌ها اعتراف و تصریح کرد که عراق حق استفاده از هر نوع سلاحی را برای دفاع از خاک خود برای خویش محفوظ می‌داند. او برای تسکین انتقادهایی که در بغداد جریان دارد، اظهار داشت که این «سلاح‌های ویژه» فقط برای استفاده در میدان جنگ بوده و جمعیت غیرنظامی را هدف قرار نمی‌دهند ... تنها فرماندهان نیروی هوایی و گارد جمهوری پس از مشورت با فرماندهی عالی نظامی و دریافت موافقت شخص صدّام در صورت لزوم مجاز به استفاده از آنها بودند (Interview with General Al-Khazraji, 2002). با این وجود، شهرت عراق به دلیل پوشش رسانه‌ای استفاده از سلاح‌های شیمیایی به شدت آسیب دید و اعتبار آن در صحنه‌ی بین‌المللی کاهش یافت.

^۱ به عنوان سومین تأمین کننده‌ی مهم تسلیحات بغداد پس از اتحاد جماهیر شوروی و فرانسه (Hiro, 1991, p. 159).

^۲ از آنجایی که گاز خردل به آهستگی عمل می‌کند و ابتدا روی پوست و سپس در داخل ریه‌ها تاول‌هایی تولید می‌کند، این گاز در برابر پیاده نظام ایرانی مؤثر بود. عراق این ماده‌ی شیمیایی را در سامرا و مواد اعصاب را در آکاشات در رطبه نزدیک مرز اردن تولید می‌کرد (Hiro, 1991, p. 105).

^۳ ادّعا شده که «توسط یک نوار صوتی پخش شده توسط ویلیامسون موری (نویسنده) به مناسبت سمینار مدرسه‌ی اقتصاد لندن در لندن، ۲۳ تا ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۰، تأیید شده است».

^۴ به نظر می‌رسد نویسنده قصد تلطیف نوشته‌ی خود را با تضعیف ایران دارد. با فرض درستی فرضیه‌ی مطرح شده، متهم نمودن نقض آشکار پروتکل ژنو ۱۹۲۵ توسط عراق، در صورت برتری ایران در میدان جنگ نیز قابل ادّعا بود.

^۵ یک ماه بعد، شورای امنیت گزارش کارشناسان را تصویب و با بررسی بیش از ۷۰۰ قربانی سلاح‌های شیمیایی در تهران و اهواز، به این نتیجه رسید که عراق در موارد متعدّد از گاز خردل و اعصاب علیه نیروهای ایرانی استفاده نموده است. در گزارش آمده است: «...استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۸۶ نسبت به سال ۱۹۸۴ گسترده‌تر به نظر می‌رسد». شورای امنیت ضمن محکوم کردن نام عراق (برای نخستین بار) به دلیل توسّل به تسلیحات شیمیایی، به اتفاق آرا مخالفت خود را با طولانی شدن درگیری ... اعلام کرد (Hiro, 1991, p. 222).



در ۳۰ مارس ۱۹۸۴، دولت‌های آمریکا و شوروی از قطعنامه شورای امنیت در محکومیت عراق به استفاده از گاز سمی علیه نیروهای ایرانی جلوگیری کردند.^۱ واشنگتن می‌خواست در قبال رژیم عراق که آماده‌ی از سرگیری روابط دیپلماتیک بود، نگرش آشتی‌جویانه خود را ثابت کند^۲ و مسکو می‌خواست از ایجاد یک سابقه در زمانی که ارتش شوروی متهم به استفاده‌ی محتاطانه از سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌ی افغانستان شده بود، اجتناب ورزد.^۳ با این وجود، کاخ سفید تحت فشار تعداد فزاینده‌ای از نمایندگان کنگره‌ی آمریکا که از نگرش عراق شوکه شده بودند و از درخواست‌های لابی‌های طرفدار اسرائیل مبنی بر پایان دادن به نزدیکی دولت با صدام استقبال می‌کردند، آشفته شد. این اختلاف زمانی بالا گرفت که فاش شد شرکت‌های آمریکایی قطعات مورد استفاده برای ساخت سلاح‌های شیمیایی را در اختیار بغداد قرار داده‌اند (Hersh, 1984). دولت آمریکا در واکنش با محکوم کردن استفاده از سلاح‌های شیمیایی و اعلام تحریم کامل فروش مواد مورد بحث به هر دو طرف متخاصم، از جامعه‌ی بین‌المللی خواست از آن الگوبرداری کند. در آن زمان، چندین شرکت غربی، به طور عمده در آلمان (به ویژه شرکت کارل کوب^۴)، سه کارخانه‌ی عراقی مونتاژ تسلیحات شیمیایی را تحت پوشش برنامه‌ی تولید آفت‌کش تأمین می‌کردند. شش ماه بعد، دولت آلمان تسلیم فشار واشنگتن شد و متعهد شد که بازرسی‌های صادراتی خود را تقویت کند، در حالی که تشخیص داد که نمی‌تواند از نظر قانونی از تجارت دو شرکت آلمانی با عراق جلوگیری کند. آلمان برای تسکین وجدان خود، تجهیزات حفاظتی برای ایران در برابر سلاح‌های شیمیایی را فروخت. دولت عراق به دنبال از دست دادن روابط تجاری خود با چند شرکت غربی، به آلمان شرقی روی آورد و آلمان شرقی، مطابق دو یادداشت مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۵ و ۱۰ مارس ۱۹۸۶ موافقت نمود.^۵

ایران به نوبه‌ی خود نمی‌خواست از سلاح‌های شیمیایی استفاده کند. روحانیون ایران اصولاً با استفاده از این نوع سلاح مخالف بودند؛ چون برخلاف دستورات قرآن بود و در نتیجه در دکرترین عملیاتی سپاه پاسداران استفاده از پیاده نظام در اولویت قرار داشت و هیچ سناریویی برای مانور نیروهای مکانیزه در مناطق آلوده پیش‌بینی نمی‌کرد. در هر صورت، تهران فقط ذخایر بسیار محدودی از مهمات شیمیایی را که در زمان شاه به دست آورده بود در اختیار داشت و قصد استفاده از آنها را نداشت. وی همچنین بودجه‌ای را برای خرید تجهیزات حفاظتی در برابر اثرات سلاح‌های شیمیایی، خرید تجهیزات از شرکت‌های آلمانی، بریتانیایی و هلندی اختصاص داد. در اوایل سال ۱۹۸۵، اکثر یگان‌های ایرانی مستقر در خط مقدم به ماسک‌های ضد آب، شنل‌های ضد آب، کیت‌های ضد عفونی‌کننده و سرنگ‌های آتروپین مجهز بودند. عکس‌های سربازان ایرانی که در سنگرهای خود حفر شده‌اند با ماسک‌های گاز بر روی صورت‌شان در سراسر جهان دیده می‌شود و تصاویر جنگ جهانی اول را به یاد می‌آورد. در فصل هجدهم کتاب «جنگ ایران و عراق» (Razoux, 2015, Chapter 18) با سرفصل «بحران گروگان‌ها در لبنان»؛ آمده که: در بهار ۱۹۸۴، فرانسه به طور فزاینده‌ای متوجه شد که عراق متحدی در سراسر است، به ویژه از آنجایی که به نظر می‌رسید رژیم عراق دیگر قادر به پرداخت بدهی‌های خود نیست و شروع به مواجهه با اتهامات جامعه‌ی بین‌المللی مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرده بود. لیونل ژوسپین^۶، دبیر اول حزب سوسیالیست، به نفع بازگرداندن تعادل به سیاست‌های فرانسه در

^۱ هیرو، علت بی‌میلی جامعه‌ی بین‌المللی برای مجازات بغداد را بهای سنگین دیپلماتیکی که ایران باید در سازمان ملل برای راه‌اندازی یک حمله‌ی بزرگ بپردازد و عدم تمایل رهبران ایران به تحمیل ریاضت بیشتر بر مردم برشمرده است (Hiro, 1991, p. 245).

^۲ جدای از تظاهرات ضعیف گاه و بی‌گاه (به ویژه حمله‌ی حلبچه)، دولت‌های غربی آگاهانه مایل بودند که چشم خود را ببندند (Karsh, 2002, p. 55).

^۳ همکاری اقتصادی شوروی و ایران پس از شش سال خواب زمستانی با اتحادیه‌ی گاز طبیعی از سر گرفته شد و مهم‌تر، رفسنجانی اظهار داشت که شوروی اعلام کرده، در صورت مداخله‌ی نظامی آمریکا در خلیج فارس، بی‌کار نخواهد ماند. مسکو از قطعنامه‌ی ۵۸۲ شورای امنیت در ۲۴ فوریه‌ی ۱۹۸۶ در جریان نبردهای فاو که به تصویب رسید، حمایت کرد (Hiro, 1991, p. 222). کرملمین در تمام طول این مدت مراقب بود که تهران را بیش از حد تحت فشار قرار ندهد یا صلح را بر آن تحمیل نکند و در نتیجه در آینده با یک همسایه‌ی عبوس برخورد نکند (Hiro, 1991, p. 251).

^۴ Karl Kolb GmbH.

^۵ این یادداشت‌ها در آرشیو اشتازی (Stasi): وزارت امنیت کشور آلمان شرقی) در مرکز وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) در واشنگتن با ارجاعات BsTu-ZA-HA-I-13558 نگهداری می‌شوند.

Lionel Jospin: متولد ۱۹۳۷؛ بعدها از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، به عنوان ۱۶۵مین نخست وزیر فرانسه.



قبال متخاصمین مخالفت کرد. برای نخستین بار، الیزه از پذیرایی طارق عزیز در یکی از سفرهای متعدد او به پاریس خودداری نمود. سرعت ارسال تسلیحات به عراق کاهش یافت. قراردادهای امضا شده رعایت شد و شرکت‌های تسلیحاتی به تحویل مهمات و قطعات یدکی ادامه دادند، اما هیچ معامله‌ی بزرگ دیگری انجام نشد (Razoux, 2015, p. 282).

داوینا میلر^۱ در کتاب «صادرات یا مرگ: تجارت دفاعی بریتانیا با ایران و عراق (مسائل جهانی)» (Miller, 1996) تحلیل خود را بر اساس نتیجه‌ی تحقیقات پنج ساله از تجارت دفاعی بین بریتانیا و خلیج فارس مبتنی بر دسترسی به اسناد و شرکت‌کنندگان در پرونده‌های تسلیحاتی به عراق و ایران از دهه ۱۹۸۰ و به ویژه نقش وزرای دولت ارایه می‌دهد. استدلال می‌شود که فروش تسلیحات برای ایجاد روابط تجاری گسترده‌تر اساسی است، اما به نوبه‌ی خود «اثر معکوس»^۲ را به همراه دارد. به این ترتیب، آنها در دیپلماسی به طور جدایی‌ناپذیری باهم پیوند خورده‌اند. این اثر، از یک سو، یک خط مشی عمومی محدودیت، و از سوی دیگر، عرضه‌ی غیررسمی اسلحه را توضیح می‌دهد.

۳- هنجارهای کنترل صادرات سلاح و اقلام دو منظوره

از زمان تأسیس کمیته‌ی هماهنگی کنترل‌های چندجانبه‌ی صادرات^۴ در سال ۱۹۴۹ تا انحلال آن در ۱۹۹۴، این کمیته بستر نهادی را فراهم کرد که در آن همه‌ی کشورهای ناتو (به استثنای ایسلند) و تعدادی دیگر از کشورها، خط مشی‌های کنترل صادرات خود را مدیریت می‌کردند. در طول تاریخ، این کمیته تا حد زیادی توسط رهبری ایالات متحده شکل گرفت و هدایت شد. هدف این کمیته اعمال محدودیت‌هایی بر صادرات فناوری‌های «حساس» به کشورهای کمونیستی در اروپای شرقی، آسیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق^۵ به منظور «حفظ شکاف فناوری در مفهوم، طراحی و توسعه مواد نظامی» بود (Gasparini Alves, 1992, p. 110). این کمیته به صورت غیررسمی فعالیت می‌کرد و جلسات و تصمیم‌گیری‌های آن تحت پوشش محرمانه بود. درخواست‌های کشورهای عضو برای معافیت از تحریم به دبیرخانه‌ی این کمیته (تقریباً ۳۰ نفر) واقع در سفارت ایالات متحده در پاریس ارسال می‌شد. یک کمیته‌ی دائمی متشکل از هیئت‌های ملی از کشورهای عضو به صورت هفتگی برای بررسی درخواست‌های معافیت‌ها تشکیل جلسه می‌دادند.

چندین هنجار منطقه‌ای نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم، هدف جلوگیری از انتقال تسلیحات را دارند. با دقت به سال‌های تشکیل آن‌ها، مشخص می‌گردد که زمان بیشتر آنها، مربوط به پس از جنگ عراق علیه ایران است. برای مثال، در قاره‌ی آسیا، مجمع منطقه‌ای انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا^۶ برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ افزون بر موضوعات دفاعی یا محیط زیستی، بر ارتقای اعتمادسازی و دیپلماسی پیشگیرانه در منطقه تشکیل جلسه داد (Home - ASEAN Main Portal, n.d.).

^۱ Davina Miller.

^۲ Scott.

^۳ Reverse influence.

^۴ Coordinating Committee on Multilateral Export Controls (COCOM) regime.

^۵ اگرچه COCOM لیستی از مقاصد ممنوعه را منتشر نکرد، کشورهای زیر برای تمام یا بخشی از دوره‌ی رژیم هدف قرار گرفته‌اند: افغانستان، آلبانی، بلغارستان، کامبوج، چین، چکسلواکی، استونی، جمهوری دموکراتیک آلمان (GDR)، مجارستان، کره شمالی، لائوس، لتونی، لیبی، مغولستان، لهستان، رومانی، اتحاد جماهیر شوروی و ویتنام. با این حال، همه‌ی مقاصد به طور یکسان در طول زمان ممنوع نشدند. برخی از آنها رفتار ترجیحی دریافت کردند (مانند چین پس از سال ۱۹۸۵) و برخی مشمول سیاست قطعی «بدون استثنا» شدند (مانند اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۸۰-۱۹۸۹) (Bertsch et al., 1994, p. 36).

^۶ The Association of South-East Asian Nations (ASEAN) Regional Forum (the ARF).



قاره‌ی آمریکا، کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان کشورهای آمریکایی^۱ و گروه ۱۲ عضوی ریو^۲ که در سال ۲۰۱۱ توسط جامعه‌ی کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب^۳ جایگزین گردید، ابتکارات مهمی هستند. البته همانطور که در بخش دو مطرح گردید، عمده‌ی تسلیحات عراق منشأ اروپایی داشت. مهم‌ترین تلاش‌ها نیز برای ایجاد توافق در مورد استانداردهای منطقه‌ای برای صادرات تسلیحات در اروپا انجام گرفت. به ویژه می‌توان به معاهده‌ی ۱۹۹۰ نیروهای مسلح متعارف در اروپا (پیمن CFE)^۴ و موافقتنامه CFE-1A سال ۱۹۹۲ اشاره نمود. با این حال، از نظر کنترل‌های انتقال تسلیحات منطقه‌ای، هنجارهای تأمین‌کننده‌ی چندجانبه که در سازمان امنیت و همکاری اروپا و اتحادیه اروپا در حال توسعه هستند، مهم‌ترین آنها هستند.

۴- بحث و نتایج

پیش از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده و متحدانش، از جمله آلمان^۵، ادعا کردند که عراق هنوز سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های شیمیایی در اختیار دارد و از این اتهام به عنوان توجیهی برای تهاجم استفاده کردند. با این حال، پس از تهاجم، هیچ سلاح کشتار جمعی در عراق یافت نشد و بعداً مشخص شد که بسیاری از شواهد مورد استفاده برای توجیه تهاجم، دروغ یا اغراق شده بودند (Kessler, 2019). این تلاش‌ها اغلب بحث‌برانگیز بودند، و عراق متهم به عدم همکاری کامل و افشای همه فعالیت‌های مربوط به کشتار جمعی خود شد. پس از تهاجم، تیمی از بازرسان بین‌المللی موسوم به گروه بررسی عراق^۶ وظیفه یافتن و مستندسازی برنامه‌های کشتار جمعی در عراق را بر عهده داشتند. در حالی که برخی شواهد از فعالیت‌های تسلیحات شیمیایی گذشته، از جمله تجهیزات منهدم شده و رها شده، پیدا گردید، اما هیچ مدرکی یافت نشد که نشان دهد عراق در زمان تهاجم، برنامه‌ی فعالی برای تسلیحات شیمیایی داشته است. البته بین جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، پیامدهای حقوقی در هنجارهای کنترل صادرات تسلیحات در نظام بین‌الملل رخ داد که در قسمت نخست این بخش به اختصار مطرح می‌گردد.

افزون بر این، پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد در عراق^۷ برای تحقیق و نظارت بر برچیدن برنامه‌ی تسلیحات کشتار جمعی عراق، از جمله تسلیحات شیمیایی آن، تأسیس گردید. کمیسیون در تحقیقات خود، اسناد و مدارک را بررسی کرد و مصاحبه‌هایی را برای جمع‌آوری شواهد در مورد منبع تسلیحات شیمیایی عراق انجام داد. با این فرآیند، کمیسیون دریافت که آلمان مواد شیمیایی به عراق صادر کرده که می‌توانست در تولید سلاح‌های شیمیایی استفاده شود. از این رو، برنامه‌های جبرانی پزشکی و محیط زیستی آلمان نیز در قسمت دوم و سوم این بخش آمده است. باید در این قسمت خاطر نشان کرد که رهبر و فرمانده کل قوای ایران، اجازه‌ی استقرار سلاح‌های شیمیایی به ایران را هرگز نداد و هنگامی که مقامات ارشد در این زمینه به او مراجعه نمودند، بنا به گزارش‌ها، او مخالفت قبلی خود را با این استدلال تکرار کرد

¹ The 1997 Organization of American States (OAS) Convention.

² The 12-member Rio Group: انجمنی متشکل از ۲۳ کشور آمریکای لاتین است که در کنار سایر مسایل سیاست خارجی، به دنبال جلوگیری از معرفی سلاح‌های کشتار جمعی در آمریکای لاتین و کارائیب بود (Rio Group, n.d.).

³ The Community of Latin American and Caribbean States, به اسپانیایی: Comunidad de Estados Latinoamericanos y Caribeños (CELAC), (CELAC International, n.d.)

⁴ Conventional Armed Forces in Europe (the CFE Treaty).

⁵ برای نمونه، می‌تواند بر اساس قراردادهای مالی مانند ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ با شرکت آمریکایی - آلمانی باشد (Gibson, 2007, p. 114).

⁶ Iraq Survey Group (ISG).

⁷ United Nations Special Commission on Iraq (UNSCOM).



که «اسلام، جنگجویان خود را از آلوده کردن جوّ حتّی در جریان یک جهاد و دفاع مقدّس منع می‌کند»^۱ (Hiro, 1991, p. 201). رفسنجانی نیز پس از آتش‌بس، از این موضع به عنوان پیروزی در جنگ نام برد (Hiro, 1991, p. 249). البته نویسندگان معدودی که انتشار کتاب‌هایشان معمولاً پیش از سقوط صدام بوده، عراق را پیروز جنگ برمی‌شمارند و در مورد استفاده از سلاح شیمیایی، نقش کوچک به آن می‌دهند یا حتّی آن را انکار می‌کنند (Pelletiere, 1992).

۴-۱. پیامدهای حقوقی در هنجارهای کنترل صادرات تسلیحات

پیامدهای حقوقی جهت جلوگیری از انتقال تسلیحات یا اقلام دو منظوره (Tarock, 1998, p. 62) پس از جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس (Kaszeta, 2021, p. 179) را می‌توان در سه دسته‌ی سازمان ملل متحد (شماره‌های ۵-۱)، هنجارهای فرمانطقه‌ای (شماره‌های ۶-۷) و هنجارهای منطقه‌ای (شماره‌های ۸-۱۰) بحث نمود:

۱- سازمان ملل متحد نقطه کانونی بسیاری از مطالعات و ابتکارات اخیر بوده است که سعی در شکل دادن به چارچوب هنجاری حاکم بر انتقال تسلیحات داشته است. مهم‌ترین ابتکار، ایجاد فهرست تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد بوده است، اگرچه شیوه‌نامه‌های انتقال تسلیحات که توسط کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل متحد^۲ تهیه شده است نیز قابل توجّه است. این نخستین مکانیزمی است که توسط آن دولت‌ها از دهه‌ی ۱۹۳۰ چنین داده‌هایی را عمومی می‌کنند.

۲- دو ابتکار جهانی دیگر که ارزش اظهار نظر در زمینه‌ی این پژوهش را دارند:

(الف) ممنوعیت بین‌المللی مین‌های ضد نفر^۳ با بازنگری کنوانسیون ۱۹۸۱ سلاح‌های غیرانسانی^۴ که حاصل فشار ائتلاف گسترده‌ای از سازمان‌های غیردولتی، تحت کارزار بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌های ضد نفر^۵ بود.

(ب) منشور بین‌المللی رفتار در مورد انتقال تسلیحات که توسط گروهی از برندگان جایزه صلح نوبل تدوین گردید (International Code of Conduct on Arms Transfers, n.d.).

۳- تلاش پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (معروف به P5 چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) برای ایجاد یک هنجار تأمین‌کننده‌ی جامع‌تر در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ در نهایت به شکست انجامید؛ اما هشت شرط محدودکننده برای انتقال تسلیحات در طول بحث در سال ۱۹۹۱ مورد توافق قرار گرفت (P5, 1991). اگرچه این دستورالعمل‌ها هرگز به طور کامل اجرا نگردید (Davis, 2002, p. 31).

۴- تحریم تسلیحاتی یکی از انواع تحریم‌هاست که می‌تواند همراه با تحریم‌های اقتصادی یا به‌طور مستقل اتخاذ شود. اعمال تحریم‌ها دارای چندین مزیت است اما می‌تواند چندین چالش را نیز به همراه داشته باشد. ماده ۴۱ منشور سازمان ملل اختیارات گسترده‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل می‌دهد که آنها را تحمیل کند تا ابزار مهمی برای ایجاد اجماع باشند.

۵- در طول جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل تنها یک بار تحریم‌های اقتصادی اجباری و جامعی را علیه رودزیا در سال ۱۹۶۵ و تحریم تسلیحاتی آفریقای جنوبی را در سال ۱۹۷۸ اعمال کرد.^۶ با این حال، از سال ۱۹۹۰، با اعمال تحریم‌های جامع علیه عراق و صربستان، و تحریم تسلیحاتی اجباری علیه آنگولا، هائیتی، لیبی، رواندا، سیرالئون، سومالی، سودان و هر شش جمهوری یوگسلاوی سابق، استفاده از این ابزارها به طور قابل توجهی افزایش یافت. در حالی که اثربخشی تحریم‌های تسلیحاتی

^۱ سازمان CIA در اوت ۱۹۹۰ منعکس می‌کند که استفاده از سلاح‌های شیمیایی عراق در زمان جنگ، «به دلیل توانایی محدود حفاظتی ایران و ناتوانی ایران در مقابله به مثل افزایش یافته است. هیچ تهدید معتبری مبنی بر تلافی ایران با تسلیحات شیمیایی وجود نداشت.» (Tarock, 1998, p. 162)

^۲ UN Disarmament Commission (UNDC).

^۳ Anti-personnel mines (APMs).

^۴ The 1981 Inhumane Weapons Convention.

^۵ The International Campaign to Ban Landmines (ICBL).

^۶ تحریم سازمان ملل: ۱- داوطلبانه ۲- اجباری؛ الزام‌آور برای همه‌ی کشورها. مثال: تحریم تسلیحاتی اجباری علیه آفریقای جنوبی (Wessels, 2010).



سازمان ملل اغلب نابرابر در نظر گرفته می‌شود (به طور عمده به دلیل مشکلاتی که در اجرای آن وجود دارد)، همه‌ی آنها انتقال تسلیحات به مقاصد ممنوعه را کاهش داده یا از آن جلوگیری کرده‌اند. این دولت‌های به اصطلاح «پاریا»^۱، عمدتاً در جنوب بودند (Davis, 2002, p. 31).

۶- همانطور که در بخش سه اشاره گردید، قبل از ترتیبات واسنار، کمیته‌ی هماهنگی کنترل‌های چندجانبه‌ی صادرات در زمان جنگ عراق علیه ایران، هنجار متعارف کنترل صادرات تسلیحات، تحت رهبری ایالات متحده بود. لذا در ارسال یا انتقال اقلام دو منظوره‌ی مربوط به سلاح‌های شیمیایی به عراق، موافقت یا چشم‌پوشی ایالات متحده هویدا است.^۲

۷- در مورد هنجارهای فرامنطقه‌ای کنترل صادرات سلاح‌های متعارف و کالاهای فناوری‌های با کاربرد دوگانه، «ترتیبات واسنار» متعاقب جنگ عراق علیه ایران، جنگ اول خلیج فارس و پایان جنگ سرد، جایگزین هنجار «کمیته‌ی هماهنگی کنترل‌های چندجانبه‌ی صادرات» گردید. هدف نخست، مسئولیت بیشتر در مورد انتقال سلاح‌های متعارف و کالاهای فناوری‌های متعارف، که منتج به جلوگیری از انباشت بی‌ثبات‌کننده می‌گردد عنوان شده است و در هدف دیگر به صراحت موضوع سلاح‌های کشتار جمعی اشاره گردیده است: «تکمیل و تقویت، بدون تکرار، هنجارهای کنترل موجود برای سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های ارسال آنها، و همچنین سایر اقدامات شناخته شده‌ی بین‌المللی که برای ارتقای شفافیت و مسئولیت بیشتر طراحی شده‌اند، با تمرکز بر تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای که ممکن است از انتقال تسلیحات و کالاهای فناوری‌های حساس با استفاده‌ی دوگانه در جایی که خطرات بیشتر ارزیابی می‌شود، ناشی شود» (The Wassenaar Arrangement, n.d.). یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌ها این است که همه‌ی اعضای باید صادرات تسلیحات و فناوری‌های حساس را به چهار کشور به اصطلاح مطرود ایران، عراق، لیبی و کره شمالی ممنوع کنند.

۸- در مورد هنجارهای منطقه‌ای کنترل انتقال تسلیحات، کنترل صادرات به سه دوره تاریخی (Davis, 2002, p. 13) تقسیم می‌شود. در دوره‌ی نخست، ۱۹۸۹-۱۹۵۷ که تمام دوره‌ی جنگ عراق علیه ایران را در بر می‌گیرد، کنترل صادرات تسلیحات به طور منحصر به فردی مربوط به دولت‌های ملی بود، اگرچه در دهه ۱۹۸۰ هماهنگی محدود تحریم‌های تسلیحاتی علیه کشورهای خاص در چارچوب همکاری سیاسی اروپا صورت گرفت. دوره دوم، ۱۹۹۵-۱۹۹۰، زمانی بود که پیشرفت واقعی در این موضوع برای نخستین بار، به ویژه در چارچوب کنفرانس بین‌دولتی^۳ منتهی به معاهده‌ی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۱ (معاهده‌ی ماستریخت) آغاز شد. همچنین دوره‌ای بود که در آن توجه به صادرات دو منظوره به طور رسمی از صادرات سلاح‌های متعارف جدا گردید.

۹- همچنین سازمان امنیت و همکاری اروپا^۴ که جامع‌ترین نهاد امنیتی اروپایی هم از نظر دامنه و هم از نظر عضویت است، برای مثال، در نشست سال ۱۹۹۲ شورای کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا^۵ در مورد عدم اشاعه و انتقال تسلیحات، کشورهای عضو را متعهد به تعدادی از اقدامات عدم اشاعه نمود.^۶

^۱ دولت پاریا به انگلیسی (Pariah state): جامعه‌ی مطرود یا دولت یاغی. از ریشه‌ی (Paraiyar) گروه بزرگی از قبایل بومی ایالت تامیل نادو هند، گرفته شده است. طبق نظام طبقاتی منسوخ‌شده‌ی هند، پاریاها عضو پایین‌ترین طبقه بودند که در قوانین سلطنتی انگلیسی مطرود یا وارده نامیده می‌شدند.

این اصطلاح در سال ۱۶۱۳ در انگلیسی به کار رفت. آفریقای جنوبی و اسرائیل با این توصیف مطابقت دارند (Harkavy, 1981).

^۲ برایان گیبسون، سیاست ایالات متحده در قبال این جنگ بسیار پرهزینه را تحلیل می‌کند و صحت ادعای بی‌طرفی شدید آمریکا را زیر سوال می‌برد. نویسنده، جسرانه استدلال‌های نویسندگان دیگر درباره جنگ را رد می‌کند و بینش‌های به موقع و مرتبطی را در مورد روابط آمریکا و عراق در پرتو تهاجم ایالات متحده به عراق ارائه می‌دهد (Gibson, 2007).

^۳ Intergovernmental Conference (IGC).

^۴ Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE).

^۵ Conference on Security and Co-operation in Europe (CSCE).

^۶ Conference on Security and Co-operation in Europe, 'Compendium of documents and measures adopted by the Special Committee of the Forum for Security Co-operation since September 1992', Budapest, Dec. 1994.



۱۰- هشت معیار مشترک حاکم بر صادرات تسلیحات در سال‌های ۲-۱۹۹۱ ایجاد شد و سپس در مقررات جدید اتحادیه اروپا که بر صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه حاکم است، گنجانده شد؛ در ژوئیه ۱۹۹۵ لازم الاجرا شد و اساس قانون رفتار اتحادیه اروپا در مورد صادرات تسلیحات مورد توافق در ژوئن ۱۹۹۸ را تشکیل داد (European Union the Council, 1998).

۴-۲. برنامه‌های جبرانی آلمان - پزشکی

آلمان از کار سازمان منع سلاح‌های شیمیایی^۱ که مسئول اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و کمک به کشورهای عضو در انهدام سلاح‌های شیمیایی و راستی‌آزمایی رعایت آن است، حمایت کرده است.^۲ آلمان همچنین به صندوق امانی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به میراث استفاده از سلاح‌های شیمیایی در عراق و برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی کمک کرده است که از قربانیان و خانواده‌های آنها در کشورهای آسیب دیده از سلاح‌های شیمیایی حمایت می‌کند.

صندوق امانی سازمان ملل متحد برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۸۴ به منظور ارایه‌ی کمک به قربانیان حملات سلاح‌های شیمیایی و حمایت از اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی تأسیس شد. این صندوق توسط سازمان ملل متحد مدیریت و با کمک کشورهای عضو کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و سایر اهداکنندگان حمایت می‌شود. آلمان از زمان تأسیس به صندوق امانی سازمان ملل متحد برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی کمک کرده است. از جمله‌ی کمک‌ها، ارایه‌ی خدمات پزشکی، روانی، و اجتماعی به قربانیان و خانواده‌هایشان است. این صندوق همچنین از پروژه‌هایی با هدف ترویج جهانی شدن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، جلوگیری از استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ترویج همکاری‌های بین‌المللی در زمینه خلع سلاح شیمیایی حمایت می‌کند.

ایران از حمایت‌های ارایه شده توسط صندوق امانی سازمان ملل برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی، در طول جنگ عراق علیه ایران بهره‌مند شده است. این حملات هزاران کشته و زخمی برجای گذاشت و بسیاری از بازماندگان را با مشکلات سلامتی طولانی مدت مواجه نمود. صندوق امانی سازمان ملل برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی بودجه‌ای برای تعدادی از پروژه‌ها با هدف کمک به قربانیان ایرانی حملات تسلیحات شیمیایی فراهم کرده است. به عنوان مثال، این صندوق از ساخت مراکز پزشکی در ایران حمایت کرده است که مراقبت‌های تخصصی برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی و همچنین تهیه‌ی تجهیزات و لوازم پزشکی را ارایه می‌دهند. افزون بر این، این صندوق از پروژه‌هایی با هدف ارایه‌ی حمایت اجتماعی و اقتصادی به قربانیان سلاح‌های شیمیایی ایرانی و خانواده‌های آنها، از جمله از طریق ارایه‌ی آموزش‌های حرفه‌ای و حمایت از توسعه مشاغل کوچک، حمایت کرده است. به طور کلی، حمایت ارایه شده توسط صندوق امانی سازمان ملل برای قربانیان سلاح‌های شیمیایی به رسیدگی به پیامدهای بشردوستانه مداوم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در ایران و حمایت از کسانی که تحت تأثیر چنین حملاتی قرار گرفته‌اند، کمک کرده است.

جدا از آن، در سال ۲۰۱۵ اولین برنده‌ی جایزه‌ی لاهه برای مدافعان قربانیان سلاح‌های شیمیایی، دکتر مهدی بلالی مود از ایران بود که حرفه‌ی خود را وقف مراقبت و حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی نموده و کلینیکی را برای کسانی که از پیامدهای دیر هنگام و درازمدت قرار گرفتن در معرض عوامل شیمیایی جنگ رنج می‌بردند، تأسیس نمود (OPCW, n.d.).

^۱ Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW).

^۲ برای مثال، ۴۰۰ هزار یورو داوطلبانه در سوریه (دسامبر ۲۰۲۲)، به صندوق امانی برای آفریقا و سوریه هر کدام یک میلیون یورو (دسامبر ۲۰۲۱ و نوامبر ۲۰۲۰)، نیم میلیون یورو مرکز شیمی (نوامبر ۲۰۲۰) (Chemical Weapons Convention, 1997).



۳-۴. برنامه‌های جبرانی آلمان - محیط زیست

جهت احقاق حق بر سلامت؛ در سال ۲۰۱۵، آلمان اعلام کرد که بودجه‌ی بالایی برای یک طرح جدید جهت رسیدگی به میراث استفاده از تسلیحات شیمیایی در عراق اختصاص خواهد داد. این ابتکار که به عنوان «مشارکت برای سلامت و پاسخگویی»^۱ شناخته می‌شود، یک پروژه‌ی مشترک سازمان بهداشت جهانی^۲ و برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد^۳ با حمایت دولت آلمان است. هدف این مشارکت رسیدگی به پیامدهای بهداشتی و زیست محیطی استفاده از سلاح‌های شیمیایی در عراق، از جمله آلودگی خاک و آب، و اثرات درازمدت سلامت بر افراد و جوامعی است که در معرض سلاح‌های شیمیایی قرار دارند. این ابتکار بر ارایه‌ی حمایت‌های پزشکی و روانی از قربانیان حملات تسلیحات شیمیایی و همچنین حمایت از تلاش‌ها برای بی‌خطر سازی مناطق آسیب دیده و جلوگیری از استفاده از سلاح‌های شیمیایی در آینده تمرکز دارد. این مشارکت با همکاری دولت عراق و سایر شرکا از جمله سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی اجرا می‌گردد. این ابتکار از طیف وسیعی از فعالیت‌ها، از جمله آموزش کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و اولین واکنش‌دهنده‌ها و توسعه‌ی دستورالعمل‌هایی برای حمل و دفع ایمن مواد خطرناک حمایت کرده است. این حمایت‌ها محدود به عراق نبوده و دولت آلمان ۳۷۰ تن پساب تولید شده توسط هیدرولیز ذخایر گاز خردل سوریه را در کشتی آمریکایی ام وی کیپ ری دفع خواهد کرد. گفته شد که پساب در یک مرکز تخصصی دولتی آلمان با رعایت بالاترین استانداردهای ایمنی و زیست محیطی سوزانده خواهد شد (OPCW, n.d.).

در مجموع، به اذعان منابع آلمانی، دولت آلمان به قربانیان حملات تسلیحات شیمیایی عراق غرامت مستقیم پرداخت نکرده است، بلکه به تلاش‌های بین‌المللی برای رسیدگی به میراث استفاده از سلاح‌های شیمیایی در این کشور و حمایت از قربانیان و خانواده‌های آنها کمک کرده است.

نتیجه گیری

با مرور منابع خارجی و مقایسه با منابع داخلی در مورد بکارگیری سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران، بر پایمال شدن حق سلامت مردم ایران، صحنه‌ی چند باره گذاشته می‌شود. واکاوی منشأ و نحوه‌ی ارسال تسلیحات و تجهیزات شیمیایی، کشورهای عمدتاً اروپایی را متهم می‌نماید. با مرور خط مشی‌ها و مقررات صادرات تسلیحات، آشکار می‌گردد که برخلاف تسلیحات هسته‌ای و شیمیایی، هیچ تابویی در برابر سلاح‌های متعارف یا اقلام دو منظوره وجود نداشت. اگرچه تجارت اسلحه یک فعالیت اقتصادی و به طور کلی مجاز بود، اما برای جلوگیری از پیامدهای نهفته‌ی منفی باید تنظیم می‌گشت. جنگ اول خلیج فارس در مارس ۱۹۹۱ توجه بین‌المللی را به بهترین نحو برای جلوگیری از گسترش یا «تکثیر» سلاح‌های متعارف و سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی^۴ و همچنین فناوری‌های دوگانه متمرکز نمود (Davis, 2002, p. 19). به ویژه، زمانی که در مواردی سربازان کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا با سلاح‌هایی با منشأ خود اتحادیه‌ی اروپا مواجه می‌شدند، لزوم این فرآیند برجسته گردید (Davis, 2002, p. 1). این چرخش وقایع، به دولت‌ها پیشنهاد نمود که باید از منافذ صادراتی و انباشت سلاح توسط رژیم‌های بی‌ثبات اجتناب ورزند. نظر به اینکه غالب تسلیحات ارسالی به عراق یا سایر کشورها، منشأ اروپایی داشتند، بنابراین، به نفع کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا بود که همگرایی را در حوزه‌ی خط مشی جهانی دنبال نمایند.

در دوران پس از جنگ سرد، دلیل اصلی همکاری بین‌المللی در کنترل صادرات، عدم تکثیر تسلیحات خاص مانند موشک‌های بالستیک و اقلام با کاربرد دوگانه به برخی از دولت‌های «پاریا»، عمدتاً در جنوب بود. اکنون نیز ساختارهای نظارتی نه تنها در

^۱ Partnership for Health and Accountability (PHA).

^۲ World Health Organization (WHO).

^۳ United Nations Environment Programme (UNEP).

^۴ Nuclear, biological, and chemical (NBC) weapons.



بین کاربران نهایی بلکه در انواع مختلف تجهیزات، متفاوت است. به ویژه در مورد سلاح‌های مدّ نظر این پژوهش، انتقال اقلام برای تسلیحات کشتار جمعی^۱ به شدت محدود شده است: سلاح‌های هسته‌ای توسط معاهده منع گسترش تسلیحات^۲ سال ۱۹۶۸ و گروه تأمین کنندگان لندن، سلاح‌های شیمیایی توسط کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی سال ۱۹۹۳ و گروه استرالیا، سلاح‌های بیولوژیکی توسط کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی^۳ سال ۱۹۷۲ و موشک‌های دوربرد توسط رژیم کنترل فناوری موشکی^۴ سال ۱۹۸۷؛ اما سیستم‌های اصلی تسلیحات متعارف، تجهیزات دو منظوره و سلاح‌های کوچک همچنان محدودیت‌های کمتری دارند.

با توجّه به تجربه‌ی موفق کارزار ضد جنگ مانند «کارزار بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌های ضد نفر»، پیشنهاد می‌گردد که جنبش‌های مردمی در جهان با فشار بر دولت‌ها روی مسائلی مانند «کنترل ارسال سلاح»، «اثرات روانی طولانی مدّت جنگ» و «تخریب محیط زیست در جنگ» در راستای ارتقای حق بر سلامت، کوشش ورزند.

اعلامیه شفافیت

با وجود شهادت برادر نویسنده در یکی از مناطق مورد اشاره در متن، نویسندگان هیچ تضاد منافی را اعلام نمی‌دارند.

منابع

1. **Allied Control Authority Germany**. (1945). In *Enactments and Approved Paper of the Control Council and Coordinating Committee*. Legal Division Office of Military Government for Germany (US).
2. Bertsch, Gary, Cupitt, Richard, & Elliott-Gower, Steven (Eds.). (1994). *International Cooperation on Nonproliferation Export Controls: Prospects for the 1990s and Beyond*. University of Michigan Press.
3. Brzoska, Michael. (1994). *Arms and warfare : escalation, de-escalation, and negotiation* (Frederic S. Pearson (Ed.)). University of South Carolina Press.
4. CELAC international. (n.d.). Retrieved May 8, 2023, from <https://celacinternational.org/>
5. **Chemical Warfare in Bosnia?** (1998). In *Human Rights Watch* (Vol. 10, Issue 9).
6. **Chemical Weapons Convention**. (1997). Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons.
7. CIA. (1983). **Prospects for Iraq**. In *Special National Intelligence Estimate 36.2-83: Vol. MORI DocID*. Director of Central Intelligence. <https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB167/04.pdf>
8. Davis, Ian. (2002). *The Regulation of Arms and Dual-Use Exports Germany, Sweden and the UK*. Oxford University Press Inc.
9. Eitzen, E. M., Takafuji, E. T., Sidell, Frederick, & Franz, David. (1997). Medical aspects of chemical and biological warfare. *Historical Overview of Biological Warfare*, 415–424.
10. European Union the Council. (1998). *European Code of Conduct on Arms Exports* (pp. 48–49).
11. Frischknecht, Friedrich. (2003). *The history of biological warfare. Human experimentation, modern nightmares and lone madmen in the twentieth century*. *EMBO Reports*, 4 Spec No(Suppl 1), S47-52.
12. Gasparini Alves, Péricles. (1992). *Access to outer space technologies: implications for international security*. *UN Institute for Disarmament Research, Research P*. <http://digitallibrary.un.org/record/197277>
13. *Geneva Protocol on Asphyxiating or Poisonous Gases, and of Bacteriological Methods*. (1925, June 17). International Humanitarian Law Databases.
14. Gibson, Bryan. (2007). *Covert relationship: American foreign policy, intelligence, and the Iran-Iraq War, 1980-1988*. Library and Archives Canada.
15. Harkavy, Robert E. (1981). *Pariah states and nuclear proliferation*. *International Organization*, 35(1), 135–

^۱ Weapons of mass destruction (WMDs).

^۲ Non-Proliferation Treaty (NPT).

^۳ Biological and Toxin Weapons Convention (BTWC).

^۴ Missile Technology Control Regime (MTCR).



- 163.
16. Hersh, Seymour M. (1984, March 30). [U.S. aides say iraqis made use of a nerve gas](#). *The New York Times*.
 17. Hiro, Dilip. (1991). *The longest War: the Iran-Iraq military conflict*. Routledge.
 18. *Home - ASEAN Main Portal*. (n.d.). Retrieved May 8, 2023, from <https://asean.org/>
 19. *International Code of Conduct on Arms Transfers*. (n.d.). Retrieved April 26, 2023, from <http://internationalhumanrightsllexicon.org/hrdoc/docs/armsnobel.htm>
 20. Interview with General al- Khazraji. (2002). In *Al- Hayat*.
 21. *Iraqi Weapons of Mass Destruction Programs*. (1998). In *U.S. Government White Paper*.
 22. Ivanov, Plamen, Balkenende, Jan Peter, Ambassador, Jose Antonio, & Pfirter, Rogelio. (2006). *Day of Remembrance for All Victims of Chemical Warfare*.
 23. Karsh, Efraim. (2002). *The Iran–Iraq War 1980–1988* (Rebecca Cullen (Ed.)). Osprey Publishing.
 24. Kaszeta, D. (2021). *Toxic: A History of Nerve Agents, from Nazi Germany to Putin’s Russia*. OXFORD University Press.
 25. Kessler, Glenn. (2019, March 22). [The Iraq War and WMDs: An intelligence failure or White House spin?](#) *The Washington Post*.
 26. Miller, D. (1996). [Export Or Die: Britain’s Defence Trade with Iran and Iraq](#). Cassell.
 27. Murray, Williamson, & Woods, Kevin. (2014). *The Iran–Iraq War*. In *The Iran-Iraq War: A Military and Strategic History*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781107449794>
 28. OPCW. (n.d.). [Supporting Victims of Chemical Weapons](#). Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons. Retrieved May 10, 2023, from <https://www.opcw.org/our-work/supporting-victims-chemical-weapons>
 29. P5. (1991, October 18). [The Guidelines for Conventional Arms Transfers](#).
 30. Pelletiere, S. C. (1992). *The Iran-Iraq War: Chaos in a Vacuum*. Praeger.
 31. Razoux, Pierre. (2015). *The Iran-Iraq War* (Nicholas Elliott (Trans.)). The Belknap Press of Harvard University Press.
 32. Riedel, Stefan. (2004). [Biological Warfare and Bioterrorism: A Historical Review](#). *Baylor University Medical Center Proceedings*, 17(4), 400–406. <https://doi.org/10.1080/08998280.2004.11928002>
 33. *Rio Group*. (n.d.). Retrieved May 8, 2023, from www.nti.org/education-center/treaties-and-regimes/rio-group/
 34. Sample, Susan G. (1998). [Military Buildups, War, and Realpolitik: A Multivariate Model](#). *Journal of Conflict Resolution*, 42(2), 156–175. <https://doi.org/10.1177/0022002798042002002>
 35. Schmaltz, Florian, Friedrich, B., Hoffmann, D., Renn, J., & Wolf, M. (2017). Chemical Weapons Research on Soldiers and Concentration Camp Inmates in Nazi Germany. In *One Hundred Years of Chemical Warfare: Research, Deployment, Consequences* (pp. 229–258). Springer International Publishing.
 36. Tarock, A. (1998). *The Superpowers’ Involvement in the Iran-Iraq War*. Nova Science Publishers.
 37. Thayer, G. (1969). *The War Business: The International Trade in Armaments*. Simon and Schuster.
 38. *The Wassenaar Arrangement*. (n.d.). Retrieved April 26, 2023, from <https://www.wassenaar.org/>
 39. Wakeman-Linn, John, & Happe, Nancy Louise. (1994). [Military Expenditure and Arms Trade: Alternative Data Sources](#) (Issue 1994/069). <https://ideas.repec.org/p/imf/imfwpa/1994-069.html>
 40. Walker, Paul F. (2017). A Century of Chemical Warfare: Building a World Free of Chemical Weapons. In *One Hundred Years of Chemical Warfare: Research, Deployment, Consequences* (pp. 377–400). Springer International Publishing.
 41. Wessels, André. (2010). [The United Nations Arms Embargo Against South Africa, 1977–1994](#). *War & Society*, 29(2), 137–153. <https://doi.org/10.1179/204243410X12674422128957>
 42. Willett, Edward. (2004). *The Iran-Iraq War*. Rosen Publishing Group.
 43. Wood, Derek. (1984, March 31). Gulf Chemicals Could Be Soviet. *Jane’s Defence Weekly*.
 44. Woods, Kevin M., Murray, Williamson, Holaday, Thomas, & Elkhamri, Mounir. (2009). *Saddam’s War: An Iraqi Military Perspective of the Iran-Iraq War*. The National Defense University.
 45. Zilinskas, Raymond A. (1997). [Iraq’s Biological Weapons](#). *JAMA*, 278(5), 418. <https://doi.org/10.1001/jama.1997.03550050080037>



Iraq's Chemical Weapons & Revising International Legal Regulations in Light of the Right to Health

Roghaiyeh Ranji Shahgoli

Master Student of International Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author)
r.ranji@stu.qom.ac.ir

Ahmadreza Tohidi

Associate Professor, Department of International Law, Qom University, Qom, Iran
ar.tohidi@qom.ac.ir

Abstract

Background & Purpose: The international consequences of the violation of the "right to health" caused by Iraq's chemical weapons against Iran, despite numerous researches, still have room for reflection. It is difficult to understand the violation of this right due to the unimaginable cruelty that has been committed. This lack of understanding is justified by some, with the assumption of one-sided interpretation or exaggeration in Iranian sources.

Research Method: In the present research, external sources were relied upon. First, the dimensions of the chemical attacks by Iraq were analyzed, then its consequences on health and the environment were explained with the aim of "examining the way of revising export control norms in international law". Therefore, the distinguishing feature of this research is the international approach to the legal consequences of this event.

Findings: The international approach can make the people of arms exporting countries active. An example of successful international anti-war campaigns has been mentioned, which can be used as an example to solve another challenge during wars, which is the lack of freedom of action of anti-war movements. Based on this, by doing this research, it is possible to bridge the gap between politicians and peace activists. Therefore, the direction of this research is interdisciplinary, applied and critical.

Result: By analyzing the sources, this bitter truth was revealed that the chemical materials and precursors needed for chemical weapons were exported to Iraq by companies with an opportunistic desire to monopolize national export control. Following it, it became clear that the revision of the export policies of the western governments was highlighted not because of the crimes committed in the eight-year war between Iraq and Iran, but after the soldiers of the European Union member states were confronted with weapons of their own origin in the first Persian Gulf War. In the results section, the following policies were collected. Focusing on these policies, it was suggested that people's movements around the world should have transnational approaches in the face of "weapons control", "long-term psychological consequences of war" or "environmental destruction in war" in order to promote the right to health to be

Keywords: Chemical Weapons, Sacred Defense, Iraq War, Right to Health, Arms Export